



۴ کافه
بررسی کتاب توسعه متزلزل



۶ جنگ نخست
چرا اختلاف در تیم ترامپ بالا گرفت؟



۷ حاشیه علیه متن
درباره چهار خبر حاشیه‌ساز این روزها



۸ امیر ایران
درباره امیرکبیر و سرنوشت غمبار او



تصدیم گیران
به منافع ایران
توجه کنند

سخنران رهبر انقلاب
در دیدار با جمعی از مردم قم



یادداشت روز

نقشه راه هاشمی

درباره میراثی که ماندگار شد



علی باخرد
بازرس حزب کارگزاران سازندگی ایران

اکبر هاشمی رفسنجانی، یکی از برجسته‌ترین و موثرترین سیاستمداران تاریخ معاصر ایران، نمادی از تدبیر، میانروی و توسعه‌گرایی در سیاست و اقتصاد کشور به شمار می‌رود. او که از پایه‌گذاران انقلاب اسلامی و یکی از معماران اصلی نظام جمهوری اسلامی بود، نقش بی‌بدیلی در مدیریت بحران‌ها و پیشبرد سیاست‌های سازنده در دوران حساس تاریخ ایران ایفا کرد.

هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری خود با تاکید بر بازسازی اقتصادی پس از جنگ تحمیلی، تلاش برای تقویت زیرساخت‌های کشور و سیاست خارجی تشدد، توانست مسیر تازه‌ای در توسعه کشور ایجاد کند. نگاه او به توسعه، نگاهی جامع و متوازن بود؛ توسعه‌ای که اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع را به طور همزمان در بر گیرد.

یکی از ویژگی‌های شاخص هاشمی رفسنجانی، تعادل در عمل و تصمیم‌گیری بود. او همواره به عقل‌گرایی و عمل‌گرایی پایبند بود و این دو اصل را به عنوان مبنای سیاست‌گذاری خود قرار می‌داد. این ویژگی، هاشمی را به چهره‌ای ماندگار در تاریخ سیاست ایران تبدیل کرد. او به خوبی توانست میان توری و عمل هماهنگی ایجاد کند و در تصمیم‌گیری‌های خود، نیازهای واقعی جامعه و شرایط موجود را مدنظر قرار دهد.

هاشمی رفسنجانی همچنین از معدود سیاستمدارانی بود که به نقش و اهمیت حزب و تشکیلات سیاسی باور داشت. چنانچه یاران و شاگردان ایشان با تاسیس حزب کارگزاران سازندگی، الگویی از یک حزب توسعه‌گرا و عمل‌گرا را به منصفه‌ظهور رساندند. این حزب با رویکردی متعادل و تخصص‌محور، توانست نقش مهمی در تبیین و اجرای سیاست‌های توسعه‌محور ایفا کند.

یکی دیگر از جنبه‌های برجسته شخصیت هاشمی رفسنجانی، توانایی او در ایجاد همگرایی میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف بود. او به عنوان یک پل ارتباطی میان جناح‌های مختلف عمل می‌کرد و تلاش داشت تا از تشدید اختلافات در میان احزاب و گروه‌ها جلوگیری کند. این ویژگی، او را به شخصیتی وحدت‌بخش در سیاست ایران تبدیل کرد.

هاشمی رفسنجانی، با نگاهی پراگماتیک و واقع‌گرایانه، سیاست را به عنوان یک علم عملی و اجرایی می‌دید. او بر این باور بود که تصمیمات سیاسی باید براساس واقعیت‌های عینی جامعه اتخاذ شوند. این رویکرد عمل‌گرایانه، او را در طول سال‌ها به سیاستمداری اثرگذار و ماندگار تبدیل کرد.

با گذشت سال‌ها از درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، میراث او همچنان در سیاست و توسعه کشور مشهود است. نگاه جامع‌نگر و تعادل‌محور او، الگویی برای سیاستمداران آینده ایران خواهد بود. هاشمی رفسنجانی، نه تنها سیاستمداری برجسته بلکه معمار مسیر توسعه‌ای بود که هنوز هم در سپهر سیاسی ایران می‌درخشد.

هرچند این مسیر در کوران وقایع با فرازونشیب‌هایی همراه باشد اما بنا به خواست و مطالبه مردم و نیز ضرورت تعالی ایران آینده، غیرقابل چشم‌پوشی خواهد بود.

گفت‌وگوی کلیدی در تهران

نخست‌وزیر عراق در سفر یک‌روزه خود به تهران با رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور دیدار و گفت‌وگو کرد. او حامل چه پیامی بود؟



گروه بین‌الملل: محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق در سفری یک‌روزه (چهارشنبه) با هدف دیدار با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان و با استقبال عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی وارد تهران شد. این سفر در پاسخ به سفر

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان به عراق در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ انجام شد؛ سفری که اولین سفر خارجی وی به حساب می‌آید و در این سفر سه‌روزه پزشکیان به بغداد، کربلا، نجف، بصره همچنین اقلیم کردستان رفت. پس از ورود السودانی به

تهران، رئیس‌جمهور پزشکیان از نخست‌وزیر عراق در مجموعه فرهنگی - تاریخی سعدآباد استقبال کرد. دو طرف در ملاقات دوجانبه ضمن مرور آخرین وضعیت روابط و همکاری‌ها و تشریح مواضع دو کشور در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی بر گسترش

همه‌جانبه تعاملات ایران و عراق تاکید کردند. پزشکیان و السودانی در این ملاقات دوجانبه همچنین ضرورت اشتراک‌گذاری ظرفیت‌ها در راستای تقویت مناسبات اقتصادی دو کشور را مورد تاکید قرار دادند.

ادامه در صفحه ۳

دیدگاه: یادداشت سیاسی

استیضاح با طعم ذبح وفاق!

بررسی تصمیم نمایندگان مجلس در فشار به وزرا



هانی رستگاران
روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسائل سیاسی

چند روزی است که در مجلس شورای اسلامی، صدای تیز کردن شمشیر برخی نمایندگان برای نبرد با شعار وفاق ملی رئیس‌جمهور به گوش می‌رسد. هر چقدر به بعضی گعده‌ها و دورویی نمایندگان از یک جناح سیاسی و تفکری خاص نزدیکتر می‌شویم، صدای تیز کردن تیغ شمشیرها بیشتر به گوش می‌رسد. ظاهراً این تیغ‌ها برای ذبح وفاق آماده می‌شوند. سیاستی که برای قربانیت هرچه بیشتر احزاب، گروه‌ها و جناح‌های گوناگون با تفکرات متضاد پایبندی شده بود، اینک به ابزاری برای فشار و سهم‌خواهی تبدیل شده است. از ارسال پیامک‌های گروهی با استفاده از تیم سایبری جریانات خاص به نمایندگان که اتفاقاً در فضای مجازی هم با اکانت‌های فیک مشغول سپاسی هستند گرفته تا سخنرانی‌های تشریف‌آفرین تعدادی از نمایندگان متعلق به جریان‌های تندرو در مجلس که پس از فراتر از نقد یا خطابه‌خوانی‌های همیشگی گذاشتند و رسماً برای رئیس دولت و رئیس قوه مقننه رجزخوانی می‌کنند. این مدل کنشگری فاقد اخلاق و آداب سیاسی از جایی شروع شد که عده‌ای از سیاسیون معنای وفاق ملی و هم‌افزایی فکری را با تاسیس دولت سهامی خاص اشتباه گرفتند و در تلاش بودند تا هر یک سهم بیشتری از بخش اجرایی کشور برای خود تدارک ببینند. آتش این زیاده‌خواهی‌ها به قدری شور شد که فعالان سیاسی حامی دولت چهاردهم در برخی استان‌ها از انتصاب استاندار جریان سیاسی رقیب مسعود پزشکیان در انتخابات اعلام ناراضایی داشتند اما در مسیر استمرار وفاق و مشی‌ومش دولت، صبوری و تحمل پیشه کردند. حالا ظاهراً به همان میزان هم راضی نیستند و درحال آماده‌سازی سازوبرگ فتح وزارتخانه‌های مهم و کلیدی دولت هستند. وزارتخانه‌هایی که تنها با گذشت حدود ۴ ماه از آغاز به کار دولت باید پاسخگوی عملکرد چندین دولت قبل از خود هم باشند. گویی افزایش نرخ ارز اتفاق امروزی است و در دولت سیزدهم یا دوازدهم، افزایش نرخ ارز و کالای اساسی تجربه نشده؛ یا هنوز دلیل مشخصی برای استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیدا نشده اما ظاهراً همین که شخص احمد میدری منتسب به طیف جناح سیاسی اصلاح‌طلبان باشد کافی است تا او را اهرم فشاری برای سهم‌خواهی بیشتر از دولت کنند. در مورد وزارت نفت که استدلال بسیار عجیب‌تر از دیگر وزراست! مسئول مستقیم قطعی برق و گاز در فصل زمستان و چالش‌های ناشی از آن وزارت نیرو است که با سوءتدبیر نتوانسته توزیع مناسب مواد اولیه و سوخت را در نیروگاه‌ها اجرا کند اما چون علی‌آبادی از وزرای باقی‌مانده دولت سیزدهم است و یکی از محصولات کارخانه وفاق، لزومی به بررسی عملکرد غیرقابل قبول و ناموفق ایشان نیست. مسیری که برای تضعیف دولت در پیش گرفته شده، درست خلاف منویات مقام معظم رهبری و انتخاب و اعتماد مردم به دولتی است که وعده داده، تحولات اساسی را برای بهبود اوضاع به نفع مردم ایجاد کند. کسانی که امروز سردمدار این اعمال در مجلس هستند، بی‌شک خیرخواه مردم نیستند و اگر نه افزایش افسارگسیخته قیمت خودرو، تعطیلی کارخانه‌ها به دلیل نبود انرژی و قطعی‌های یبایی برق باید بیش از هر چیز آن دسته از نمایندگان را به فکر تذکر به وزرای مربوطه می‌انداخت. رفتارهای جانبدارانه و تبعیض‌آمیز این دست از نمایندگان که معمولاً سخنرانی‌هایشان به طور گسترده در فضای مجازی نشر پیدا می‌کند بیش از گذشته روشن و عیان است. ظاهراً قرار نیست دست از سنگ‌اندازی‌ها بردارند و از شاخه‌ای به شاخه‌ای درحال تردد هستند. عزل ظریف نشد، استیضاح می‌کنند، استیضاح نشد، وزیر امور خارجه را در حساس‌ترین برهه تاریخ که باید نماینده جمهوری اسلامی ایران با اقتدار و پشتوانه قدرتمند در مذاکرات حضور پیدا کند دچار حاشیه می‌کنند، این اقدام با شکست مواجه می‌شود، برای سران اصلاحات در فضای مجازی به کیفیت‌ترین شکل ممکن حاشیه‌سازی می‌کنند و این وقایع یکی پس از دیگری ادامه پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد پذیرش این واقعیت که سعید جلیلی رئیس‌جمهور ایران نیست و مردم به شخص دیگری برای ایجاد تحول و تغییر ریل سیاست‌گذاری دولت سیزدهم اعتماد کردند، برای عده‌ای بسیار دشوارتر از آن است که فکرش را می‌کردند و همچنان بر این باورند که باید در صحنه باشند تا بالاخره نوبت به زنبیل آنها هم برسد! در این شرایط فقط می‌توان گفت کاش به اندازه‌ارزنی، پیش از منافع گروهی و جناحی، منافع ملی اولویت بود.



پیگیری می‌کنیم

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس: کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی موضوع انتصاب محمدجواد ظریف را رسیدگی کرده و نامه به صورت رسمی به دیوان عدالت اداری رفته است. ان‌شاءالله دیوان عدالت اداری به این موضوع مهم سریع‌تر رسیدگی کند. به صورت کلی این بحث بسیار درست است و حتماً ما هم پیگیری می‌کنیم.



اصلاح مهم است نه انتقام

بیانیه دفتر مولوی عبدالحمید درباره اهانت اخیر یک مداح: با توجه به اینکه این مداح به اشتباه و خطای خود اعتراف کرده است به اطلاع مردم شریف ایران رسانده می‌شود که شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید ضمن تشکر از مسئولان قضایی و اطلاعاتی از تمامی حق و حقوقی خودشان در رابطه با این موضوع و پرونده صرف‌نظر و گذشت کرده و اعلام کرده‌اند که برای بنده (اصلاح) مهم است نه «انتقام».



مصوبه عجیب مجلس

در ادامه رسیدگی به گزارش کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای در مورد طرح اصلاح مواد از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور نمایندگان با ماده ۴۲ و ۴۳ این طرح موافقت کردند که طبق یکی از این ماده‌ها کلیه مطبوعات و رسانه‌های دیداری و شنیداری اعم از مکتوب و الکترونیکی از قبیل شبکه‌های مجازی، حق ندارند که آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند.

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از مردم قم تاکید کردند:

تصمیم‌گیران به منافع ایران توجه کنند

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ مردم قم، در دیدار هزاران نفر از مردم این شهر، ۴۶ سال محاسبات و سیاست‌های غلط آمریکا در قبال ملت ایران را استمرار همان خطای محاسباتی آمریکایی‌ها در تحلیل قیام تاریخی ۱۹ دی خواندند و با اشاره به ضرورت درس‌آموزی از قیام ۱۹ دی، تلاش «بی‌وقفه، پرجمع و موثر» رسانه‌ها و فعالان مجازی برای «پاره کردن پرده توهم اقتدار دشمن و مصونیت‌بخشی به افکار عمومی» و تمرکز کامل مسئولان بر منافع ملت و کشور در هر تصمیم و اقدام اقتصادی و فرهنگی را نیازهای جدی امروز پرشمرده و گفتند: همه باید با امید و تلاش روزافزون به حرکت ملی به سمت تحقق اهداف اقتصادی و غیراقتصادی ادامه دهیم.

آیت‌الله خامنه‌ای، قیام ۱۹ دی مردم مومن و شجاع قم را از قله‌های تاریخ کشور و همچون همه ایام‌الله حاوی درس‌ها و عبرت‌های مختلف دانستند و گفتند: مهم‌ترین درس آن روز این است که نشان می‌دهد آمریکا، چه ایرانی را می‌پسندد و آرزو دارد.

رهبر انقلاب با اشاره به سفر کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دهم دی ۵۶ به تهران و تعریف دروغین او از محمدرضاشاه و توصیف ایران پهلوسی به «جزیره ثبات»، افزودند: ایران ۵۶ که کارتر مطلوب آمریکا می‌دانست از لحاظ سیاست خارجی تابع محض آمریکایی‌ها و تامین‌کننده منافع آنها، از لحاظ سیاست داخلی شاهد سرکوب شدید همه جریان‌های مخالف و حتی متفاوت با رژیم، از لحاظ اقتصادی دارای درآمد هنگفت فروش نفت اما به شدت طبقاتی، از لحاظ علم و فناوری عقب‌مانده و از لحاظ فرهنگی کشوری بود که فرهنگ فساد و بی‌حیایی و ابتذال غربی هر روز در آن در حال گسترش بود.

آیت‌الله خامنه‌ای تاکید کردند: قیام ۱۹ دی، «ایران مطلوب آمریکایی‌ها» را از جنگال آنها بیرون آورد اما آمریکا همچنان در آرزوی آن ایران است که البته همان‌طور که کارتر این آرزو را به گور برد، دیگر آمریکایی‌ها هم به گور می‌برند.

ایشان دومین درس قیام ۱۹ دی را آشکار کردن خطای محاسباتی آمریکا و اثبات ناتوانی آنها در درک واقعیات ایران دانستند. رهبر انقلاب افزودند: کسانی که به ظاهر آمریکا دل می‌بندند و عظمت خدا و ملت ایران را از یاد می‌برند، به این نکته توجه کنند که فقط ۹ روز پس از تعریف و تمجید کارتر از «جزیره ثبات» آمریکایی‌ها، قیام قمی‌های پیشینشان نشان داد، آمریکا چقدر در فهم مسائل ایران عقب‌مانده و غافل است.

ایشان پیروزی انقلاب اسلامی از دل «مهم‌ترین سنگر استکبار» را به پرورش حضرت موسی (ع) در کاخ فرعون تشبیه کردند و افزودند: آمریکایی‌ها خواب ماندند و انقلاب عظیم اسلام از دل قلعه مستحکم منافع آنها جوشید؛ همچنان که فرعون نیز غافل بود که حضرت موسی در خانه او درحال رشد و پرورش است.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به استمرار خطاهای دستگاه محاسباتی آمریکا در قبال ایران در ۴۶ سال گذشته، افزودند: کسانی که مرعوب سیاست‌های آمریکا هستند، مرعوب نباشند و به این نقطه‌ضعف اساسی و مستمر رژیم ایالات‌متحده، توجه کافی کنند.

رهبر انقلاب در تشریح برخی سیاست‌های غلط و بی‌نتیجه آمریکا در قبال ملت ایران، به بحث تحریم اشاره کردند و گفتند: آنها در تحریم، به زانو درآوردن اقتصادی ایران را هدف گرفتند اما ملت ایران در تحریم، در علم و فناوری بیشترین پیشرفت را کرد و جوانان آسوده به کارش در عرصه‌های مختلف به میدان آمدند. ایشان افزودند: البته تحریم ضررهایی به کشور زد اما نتوانست اهداف آنها را محقق کند که ان‌شاءالله ملت ایران روزی به حساب این ضررها هم خواهد رسید.

آیت‌الله خامنه‌ای پیروزی انقلاب را ایجاد سَرک در دیوار بتی

استکبار و متزلزل شدن حصار غرب خواندند و افزودند: درس دیگر قیام ۱۹ دی این است که باید افکار عمومی خود را در قبال تبلیغات دشمن مصونیت دهیم.

ایشان هدف انتشار مقاله‌ای موهن علیه امام خمینی در یکی از روزنامه‌های دی ۱۳۵۶ را نتیجه توجه و استفاده آمریکایی‌ها و رژیم پهلوسی از ابزارهای نرم‌افزاری دانستند و گفتند: آنها می‌خواستند «ذوالفقار زبان» امام خمینی که از کنار مرقد مطهر امیرمومنان (ع) به دل‌های مردم امید و گرما می‌داد را از بین ببرند اما قمی‌ها با هوشیاری و بی‌اعتمادی به تبلیغات آمریکا و پهلوی، آن حرکت را ناکام گذاشتند.



رهبر انقلاب با اشاره به افزایش هزاران برابری استفاده آمریکایی‌ها از نرم‌افزار تبلیغ برای تثبیت نتایج استفاده از سخت‌افزارها گفتند: در غزه ده‌ها هزار انسان را قتل‌عام کردند اما نتوانستند مقاومت را با سخت‌افزار از بین ببرند. در لبنان نیز شخصی مانند سیدحسن نصرالله و دیگر فرماندهان را شهید کردند اما حزب‌الله از بین نرفت و نخواهد رفت.

آیت‌الله خامنه‌ای کار تبیینی و تبلیغی را شاخصی بسیار مهم خواندند و گفتند: دشمن با دروغ‌پردازی، فاصله انداختن بین واقعیت با فکر و تصور مردم و روش‌های دیگر در تلاش برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی است و امروز صداوسیما، وزارت ارشاد، همه دستگاه‌های تبلیغاتی - فرهنگی و فعالان فضای مجازی باید پرده توهم اقتدار دشمن را پاره کنند و افکار عمومی را در برابر دروغ‌ها، تهدیدات و تحریف‌های او مصون کنند.

رهبر انقلاب با اشاره به اینکه ذات استکبار تغییر می‌کند آن نکرده، گفتند: کسی خیال نکند آمریکا و رژیم صهیونیستی امروز با آن روز متفاوتند، البته روش‌ها و ابزارهای آنها هزار برابر متنوع‌تر و گسترده‌تر شده است که در مقابل، ما هم باید هزار برابر، هوشیارتر و با دقت‌تر عمل کنیم.

ایشان ایمن‌سازی افکار عمومی را ضروری دانستند و افزودند: کلید قضیه این است که حرف دشمن را باور نکنیم. بدانیم آنچه دشمن در تبلیغات خود برای اثرگذاری بر افکار عمومی مطرح می‌کند فریبکارانه و دروغ است و بی‌درنگ آن را رد کنیم.

آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان، ایران را قله‌ای راهبردی در دنیا به دلیل برخورداری از موهبت‌های ارزشمند همچون امکانات طبیعی و نیروی انسانی پیشرفته‌تر از متوسط دنیا و قرار داشتن در موقعیت جغرافیایی خوب و جغرافیای سیاسی حساس برشمرده‌اند و افزودند: ایران از حدود ۸۰ سال قبل به مدت چند دهه متعلق به آمریکا بود اما انقلاب اسلامی کشور را از مشت آمریکا خارج کرد و به همین علت است که تلخ‌کامی آنها از انقلاب، فراموش‌شان نمی‌شود.

ایشان با اشاره به سخنان برخی افراد مبنی بر اینکه، چرا جمهوری اسلامی با وجود ارتباط با کشورهای اروپایی و دایر بودن سفارت آنها

در ایران، حاضر به مذاکره و ارتباط با آمریکا نیست، گفتند: ایران قبل از انقلاب تحت تسلک آمریکا بود که انقلاب اسلامی باعث شد آن ثروت عظیم سیاسی و اقتصادی از قبضه آمریکایی‌ها خارج شود بنابراین کینه آنها از انقلاب شتری است و این تفاوت زیادی با کشورهای اروپایی دارد. رهبر انقلاب، ناکامی آمریکا در پس گرفتن ایران با وجود هزینه‌های سنگین در ۴۶ سال گذشته را علت دیگر کینه آنها از ملت ایران و جمهوری اسلامی خواندند و افزودند: آمریکا در این کشور شکست خورده و درصدد جبران آن شکست است؛ بنابراین هرچه بتواند با مردم ایران دشمنی می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از خواسته‌های استکبار و در رأس آن دولت آمریکا از همه کشورهای از جمله از مسئولان جمهوری اسلامی را رعایت کردن منافع و ملاحظات آنها در طراحی مسائل گوناگون خواندند و با تاکید بر اینکه تن دادن به این توقع بیجای آمریکا، تهدید مردم‌سالاری و جمهوریت در کشور است، گفتند: مردم به مسئولان رای داده‌اند که منافع آنها را محقق کنند نه منافع آمریکا را؛ بنابراین تصمیم‌گیران در مسائل اقتصادی مانند تورم، تولید و ارز و مسائل فرهنگی از جمله حجاب در تصمیمات خود فقط به منافع ملت ایران و جمهوری اسلامی توجه کنند و به هیچ‌وجه منافع آمریکا و صهیونیست‌ها را ملاحظه نکنند؛ زیرا آنها از بین ندان با ملت ما و جمهوری اسلامی دشمن‌اند و آرزوی‌شان ویرانی ایران است.

رهبر انقلاب با ابراز خرسندی از مواضع صریح، قاطع و شجاعانه رئیس‌جمهور کشورمان علیه رژیم صهیونیستی و پشتیبانی‌های آمریکا از جنایات صهیونیست‌ها گفتند: این مواضع دل مردم را شاد کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اهمیت زنده نگه داشتن مساله امید در مقابل فعالیت دشمن برای مایوس کردن جوانان، گفتند: ما باید به هدایت و کمک الهی و به نیروی خدادادی ملت‌ها، امیدوار باشیم و مهم‌ترین هدف همه فعالان حوزه تبلیغات و صاحبان سخن باید زنده کردن امید در دل‌ها و پرهیز از بیان سخنان ناامیدکننده باشد.

ایشان پیام امام بزرگوار از نجف پس از حادثه ۱۹ دی و بشارت پیروزی به ملت ایران را نمونه‌ای از توجه فراوان امام به اهمیت امید دانستند و خاطر نشان کردند: چه کسی آن روز که امام توبه پیروزی نهضت را داد، باور داشت انقلاب پیروز می‌شود و قدرتی بزرگ و خط‌شکن همچون جمهوری اسلامی در این منطقه از جهان سر بر خواهد آورد که جلوی بسیاری از تجاوزها و اهداف خباثت‌آلود غرب را بگیرد؟ و چه کسی باور می‌کرد روزی فرا برسد که در کشورهای غربی و حتی خود واشنگتن، پرچم آمریکا به آتش کشیده شود؟

رهبر انقلاب، افق مسائل اقتصادی کشور را نیز در نگاه کارشناسان و افسراد مطلع از واقعیات، امیدوارکننده خواندند و افزودند: برخی افراد تحقق سیاست‌هایی مانند رشد اقتصادی ۸ درصد را ناممکن می‌دانند درحالی که در نمایشگاه فعالان اقتصادی که چندی قبل رئیس‌جمهور نیز از آن دیدن کرد، گفته و ثابت شد که تحقق رشد ۸ درصد بدون احتیاج به خارج، امکان‌پذیر است و رئیس‌جمهور هم حرف آن فعالان و کارشناسان را تکرار کرد. ایشان لازمه نمر دادن امید را تلاش و پشتکار دانستند و افزودند: باید با امیدواری و تلاش، لوازم پیشرفت کشور را تامین کنیم.

آیت‌الله خامنه‌ای در پایان سخنانشان با تاکید بر اینکه حوادث منطقه از جمله سوره نباید موجب کهرنگ شدن مساله فلسطین شود، گفتند: مایه اصلی مقاومت، ایستادگی در مقابل حرکت خباثت‌آلود رژیم صهیونی است. ایشان با تاکید بر «زنده ماندن و روزبه‌روز قوی‌تر شدن مقاومت»، گفتند: ما از مقاومت در غزه، کرانه‌باختری، لبنان، یمن و در هر نقطه‌ای که مقابل رژیم صهیونیستی ایستادگی و مقاومت کند، حمایت می‌کنیم.



خبرنگار ایتالیایی آزاد شد

جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا و آنتونیو تیانو، وزیر امور خارجه این کشور با انتشار پیام‌هایی در شبکه اجتماعی ایکس از آزادی «چچیلیا ساللا»، خبرنگار ایتالیایی از ایران خبر دادند. ملونی این اقدام را نتیجه کار فشرده از طریق کانال‌های «دیپلماتیک و اطلاعاتی» دانست و از مسئولان امر قدردانی کرد. ملونی در ایکس نوشت: هوایمایی که چچیلیا ساللا را به خانه بازمی‌گرداند به پرواز درآمده است.

ادامه تیترویک



تکذیب آتش‌بس غزه

دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل گزارش‌ها مبنی بر آتش‌بس یک هفته‌ای در غزه در ازای ارائه لیست اسامی اسرای صهیونیست توسط حماس را تکذیب کرد. در این بیانیه ادعا شده است: آنچه در رسانه‌ها درباره آتش‌بس یک هفته‌ای در غزه در ازای لیست گروگان‌ها (اسرای اسرائیلی در غزه) منتشر شد، نادرست بوده و بخشی دیگری از جنگ روانی حماس علیه خانواده‌های ربوده‌شدگان است.



آخرین سفر هریس

دفتر کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد: او در هفته پایانی دولت جو بایدن عازم تور سفر به سه کشور شامل سنگاپور، بحرین و آلمان خواهد شد. این سفرها که در بازه زمانی ۱۳ تا ۱۷ ژانویه انجام خواهد شد، قرار است آخرین فرصت برای هریس، قبل از شروع به کار رسمی دولت دوم ترامپ باشد تا او به چالش‌های آمریکا در سیاست خارجی رسیدگی کند.

دیدگاه: گزارش خارجی

ترامپ و کانادا

چرا رئیس‌جمهور منتخب آمریکا اقدام به انتشار نقشه جدید آمریکا با پیوست کانادا کرد؟

دونالد ترامپ در دو مطلب جداگانه در تارنمای تروت سوشال، دو نقشه را به اشتراک گذاشت که در یکی از آنها ایالات متحده آمریکا بر جغرافیای دو کشور کانادا و آمریکا نوشته شده و در دیگری پرچم آمریکا بر این دو کشور ترسیم شده است. وی در یکی از این دو مطلب نیز عنوان سرود ملی کانادا را نوشت: ای کانادا! ترامپ ساعتی قبل در جریان یک کنفرانس خبری ضمن تاکید بر لزوم الحاق کانادا به آمریکا به خبرنگاران گفت که استفاده از نیروی نظامی برای کنترل بر کانادا را مدنظر ندارد. وی که همواره از مازاد تجاری کانادا در مبادلات بازرگانی با آمریکا انتقاد کرده، پیش‌تر گفته بود که مرز میان دو کشور به طور مصنوعی ترسیم شده است. جاستین ترو، نخست‌وزیر کانادا در واکنش به تهدید دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا درباره استفاده از نیروی اقتصادی علیه کانادا گفت که کشورش بخشی از آمریکا نخواهد شد. ترو در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: هیچ امکانی وجود ندارد که کانادا بخشی از ایالات متحده شود.

در این راستا جاستین ترو، نخست‌وزیر کانادا تهدید دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا درباره استفاده از «نیروی اقتصادی» علیه کانادا را رد کرد و گفت که کشورش بخشی از ایالات متحده نخواهد شد. وی افزود: کارگران و جوامع هر دو کشور ما از اینکه بزرگ‌ترین شریک تجاری و امنیتی یکدیگر هستند، نفع می‌برند. همچنین ملانی جولی، وزیر خارجه کانادا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اظهارات ترامپ نشان‌دهنده فقدان فهم درباره چیزی است که کانادا را به یک کشور قوی تبدیل می‌کند. وی افزود: اقتصاد ما قوی است. مردم ما قوی هستند. ما هرگز در برابر تهدیدها عقب‌نشینی نمی‌کنیم. کانادا ۷۵ درصد از صادرات کالاها و خدمات خود را به آمریکا ارسال می‌کند. ترامپ تهدید کرده است که تعرفه ۲۵ درصدی بر کالاها و خدمات کانادا وضع خواهد کرد.

این مواضع در حالی مطرح می‌شود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا (سه‌شنبه) اعلام کرد که استفاده از زور و نیروی قهری برای الحاق گرینلند به کشورش را رد نمی‌کند. این اظهار نظر که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها پیدا کرد، سبب شد تا سوال‌هایی در خصوص چرایی این ادعای ارضی در میان بسیاری از شهروندان آمریکایی مطرح شود. گرینلند، سرزمینی بی‌خزده و تحت حاکمیت دانمارک که از آن به عنوان بزرگ‌ترین جزیره جهان یاد می‌شود به دلیل برخورداری از موقعیتی استراتژیک در مسیرهای مهم کشتیرانی و وجود مواد خام حیاتی در آن که به ندرت در جای دیگری یافت می‌شود از دیرباز مورد توجه استراتژیست‌ها در واشنگتن و سایر نقاط جهان قرار داشته است؛ اگرچه کینهاگ همچنان بر غیرقابل فروش بودن این جزیره اصرار دارد. این جزیره پوشیده از یخ و برف به دلیل نزدیکی به قطب شمال از اهمیت ژئوپلیتیک بالایی برخوردار است. ذخایر معدنی غنی گرینلند از جمله فلزات کمیاب همچنین فرصت‌های اقتصادی ناشی از ذوب شدن یخ‌ها و دسترسی به منابع انرژی جدید، این منطقه را به کانونی برای رقابت قدرت‌های جهانی تبدیل کرده است.

دونالد ترامپ با تکرار درخواستش برای تصاحب جزیره گرینلند احتمالاً قصد دارد این پیام قوی را به چین و دیگر رقبای جهانی ارسال کند که آمریکا در راستای حفظ منافع خود در مناطق استراتژیک بسیار مصمم و جدی است. با این حال، این ایده با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شده است. دولت دانمارک و مردم گرینلند به شدت با این پیشنهاد مخالفت کرده‌اند و آن را غیرعقلی و غیرقابل قبول می‌دانند. این موضوع همچنین نشان‌دهنده رویکرد تهاجمی ترامپ در سیاست خارجی و تلاش او برای گسترش نفوذ آمریکا در مناطق کلیدی جهان است.

یورنیوز



گفت‌وگوی کلیدی در تهران

در نشست هیأت‌های دو کشور چه گفته شد؟

پس از ملاقات دوجانبه میان رئیس‌جمهور کشورمان و نخست‌وزیر عراق، نشست مشترک هیأت‌های عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران و عراق برگزار شد و پزشک‌های در این نشست روابط دو کشور را دارای پیشینه تاریخی و متکی به پیوندهای عمیق دینی و فرهنگی توصیف کرد و گفت: به‌رغم برخی تلاش‌ها برای جدا کردن دو ملت، مردم ایران و عراق سال‌ها در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند و این پیوندهای عمیق دینی و فرهنگی زمینه و بستری مناسب برای ارتقای تعاملات سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی دو کشور است. رئیس‌جمهور با بیان اینکه بی‌تردید رشد و ارتقای روابط ایران و عراق موجب تقویت جایگاه منطقه و جهان اسلام خواهد شد، تصریح کرد: اگر ما به کتاب خدا بر مبنای عدالت و بر مسیر نبی مکرم اسلام (ص) و اهل‌بیت علیهم‌السلام عمل کنیم، هیچ اختلاف و وقفه‌ای

در روابطمان وجود نخواهد داشت. پزشک‌های با بیان اینکه موقعیت جغرافیایی ایران و عراق برای تشکیل یک حساب منطقه‌ای اقتصادی بی‌نظیر است بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای احداث شهرک اقتصادی مشترک با عراق تاکید کرد.

رئیس‌جمهور ضمن ابراز امیدواری نسبت به اینکه سفر نخست‌وزیر عراق به کشورمان موجب ارتقای هرچه بیشتر روابط دو کشور همچنین گسترش صلح، امنیت، آرامش و توسعه اقتصادی در منطقه شود، افزود: شخصاً آرزو دارم که روزی کشورهای اسلامی در چارچوب یک امت واحد در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تعامل با یکدیگر بپردازند. محمد شیاع السودانی نیز در این نشست ضمن قدردانی از کمک‌ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران در حمایت از دولت و ملت

عراق بر عزم کشورش برای اجرای کردن توافقات و برنامه‌های همکاری دو کشور در پروژه‌های ریلی و جاده‌ای، احداث شهرک اقتصادی مشترک در مناطق مرزی دو کشور همچنین پروژه‌های گازی و برقی تاکید کرد و گفت: ما علاقه‌مند به مشارکت شرکت‌های ایرانی در اجرای پروژه‌های زیرساختی عراق هستیم.

پرونده سوریه و گسترش روابط تجاری دوجانبه

پس از این نشست، کنفرانس خبری مشترک رئیس‌جمهور پزشک‌های و السودانی برگزار شد. رئیس‌جمهور پزشک‌های در این کنفرانس اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان صلح، ثبات و توسعه برای محیط پیرامون خود بوده است و در این میان امنیت، رشد و رفاه مردم عزیز عراق از اهمیت شایانی برای ما برخوردار است. پزشک‌های تاکید کرد: عراق پس از عبور از تروریسم، دوران خوبی از رشد و توسعه را به ویژه با حضور برادران السودانی تجربه می‌کند و ان‌شالله این مسیر تداوم خواهد یافت.

رئیس‌جمهور افزود: این سفر در ادامه سفر موفقیت‌آمیز اینجانب به عراق در شهریورماه سال جاری و نقاط عطفی از روابط دو کشور است که نتیجه آن را در آینده و در روند رو به رشد همکاری‌های آینده شاهد خواهیم بود. وی به نتایج ریزینی دیدار خود با محمد شیاع السودانی پرداخت و تاکید کرد: ضمن ریزینی درباره تحولات اخیر منطقه، مذاکرات خوبی درباره توسعه همکاری‌های دوجانبه در تمام ابعاد و زمینه‌های موجود داشتیم.

پزشک‌های همچنین گفت: هر دو کشور از دغدغه‌های مشترکی در ارتباط با تحولات جاری در سوریه برخوردار هستند. ثبات و آرامش سوریه، حفظ تمامیت ارضی سوریه، مقابله با فعالیت گروه‌های تروریستی، ضرورت خروج رژیم صهیونیستی از مناطق اشغالی و توجه به احساسات مذهبی به ویژه درباره بقاع و اماکن متبرکه شیعیان

ازجمله این دغدغه‌ها بود. وی افزود: خطر تروریسم و احتمال فعال شدن مجدد هسته‌های تروریستی از دغدغه‌های دو طرف و مباحث امروز ما بود که هوشیاری و همکاری دو کشور را بیش از گذشته یادآوری کرد.

رئیس‌جمهور تاکید کرد: در این جلسه برنامه جامع همکاری دو کشور و اجرای کامل توافق امنیتی بار دیگر مورد بررسی و گفت‌وگو قرار گرفت. پزشک‌های در ادامه به طرح‌های اقتصادی مشترک بین ایران و عراق اشاره کرد و گفت: در خصوص اهمیت همکاری‌های اقتصادی و تجاری در این جلسه طرح‌های خوبی مورد بررسی قرار گرفت و یکی از این طرح‌های مهم، تسریع احداث پروژه راه‌آهن شلمچه - بصره است که آقای السودانی نیز اهتمام خوبی به اجرایی شدن آن داشته است. وی افزود: در این دیدار طرفین بر اهمیت اجرایی‌سازی اسناد و رفع سریع موانع موجود تاکید کردند.



رئیس‌جمهور توسعه مناسبات در زمینه‌های گمرکی، حضور شرکت‌های دو کشور در سرمایه‌گذاری‌های مشترک، تسهیل حمل‌ونقل جاده‌ای و افزایش ترانزیت کالا و مسافر، تقویت بازارهای مرزی و تامین نیازهای متقابل مشترک بخش‌های دیگر را جمله مهم‌ترین موضوعات گفت‌وگو با نخست‌وزیر عراق و هیات بلندپایه همراه وی برشمرد و ابراز امیدواری کرد که با تلاش طرفین شاهد گسترش تجارت دو کشور باشیم.

نخست‌وزیر عراق نیز تصریح کرد: سفر به تهران در چارچوب گسترش همکاری و ارتباطات میان دو کشور صورت گرفته است، تلاش می‌کنیم همکاری‌های میان تهران و بغداد را گسترش دهیم تا شاهد تحقق امنیت، ثبات و شکوفایی در روابط دو کشور باشیم.

محمد شیاع السودانی، افزود: نشست بسیار خوبی با رئیس‌جمهور پزشک‌های و وزرای محترم در زمینه روابط دوجانبه در زمینه‌های اقتصادی، توسعه، اجتماعی، فرهنگی، دینی و توافقنامه‌ها و یادداشت‌های تفاهم داشتیم. از سفر اخیر رئیس‌جمهور ایران به عراق نتایج خوبی شاهد بودیم و به زودی نشست‌های دوجانبه بین وزرای دو کشور در خصوص مهم‌ترین پرونده‌های اقتصادی و پروژه‌های مشترک و همکاری‌ها در زمینه تامین برق و گاز عراق خواهیم داشت. وی ادامه داد: پیگیر اتصال خط آهن شلمچه - بصره، شهرک‌های اقتصادی در مرز دو کشور و ایجاد راه‌های تسهیل تبادل تجاری با کشورهای منطقه هستیم. السودانی اظهار کرد: گسترش روابط تهران - بغداد برای ما از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و برای تحقق منافع دو کشور و دولت به دنبال گسترش روابط با تهران هستیم. این روابط می‌تواند در سطح منطقه توسعه یابد و فرصتی است برای تحقق منافع همه کشورهای منطقه است.

نخست‌وزیر عراق خاطر نشان کرد: عراق جنایات جنگی و کشتار جمعی که در غزه و علیه فلسطینی‌ها صورت می‌گیرد را محکوم

می‌کند. شاهد کشتار هدفمند مردم مظلوم غزه هستیم، جامعه بین‌الملل در توقف جنایات اسرائیل ناکام بوده است، این در حالی است که این جنایات امنیت و صلح منطقه و جهان را تهدید می‌کند و تنها راه استقرار در این منطقه توقف جنگ ویران‌کننده در غزه است و تضمین در خصوص حق ملت فلسطین برای تعیین سرنوشت خود بر پایه یک کشور آزاد. همچنین موضع عراق برای ادامه آرامش و آتش‌بس در لبنان ثابت است.

السودانی گفت: در خصوص تحولات اخیر سوریه گفت‌وگو کردیم، استقرار آرامش در سوریه کلید ثبات در منطقه است و از همگان دعوت می‌کنیم که شاهد راه‌حل سیاسی جامع در سوریه باشیم به طوری که حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه را حفظ کند و موجب توقف دخالت‌های خارجی در سوریه باشد. نخست‌وزیر عراق تاکید کرد: برای اراه ملت سوریه احترام قائل هستیم و از آن حمایت می‌کنیم به شرطی که بدون دخالت کشورهای خارجی باشد. آمادگی خود را برای همکاری با همه طرف‌ها در سوریه اعلام می‌کنیم و در خصوص مشارکت در انتقال مسالمت‌آمیز دولت در سوریه به طوری که تمام گروه‌ها و قومیت‌ها در آن حضور داشته باشند، اعلام کردیم. السودانی در پایان اظهار کرد: مخالف استفاده از زبان تهدید و گفتمان علیه کشورها هستیم چراکه این راه به بحران و تنش‌های بیشتر در منطقه منجر خواهد شد. وی گفت: از همگان برای گفت‌وگوی منطقه‌ای جامع که منجر به اعتمادسازی بین کشورهای منطقه و موجب تضمین صلح و امنیت منطقه باشد، دعوت کردیم و به رئیس‌جمهور پزشک‌های توضیح دادم که نشست سران طی ماه‌های آتی در عراق برگزار خواهد شد.

خاورمیانه و ترامپ

آنچه باید در خصوص این سفر مورد نظر باشد این است که السودانی زمانی وارد تهران شده که حدود ۱۱ روز دیگر یعنی ۲۰ ژانویه، دونالد ترامپ به عنوان چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا مراسم تحلیفش را برگزار می‌کند و برای ۴ سال روی صندلی کاخ سفید می‌نشیند. باید توجه داشت که او در برهه‌ای زمام امور را در دست می‌گیرد که خاورمیانه یکی از بحرانی‌ترین و عجیب‌ترین دوره‌های خود را از سر می‌گذراند. در این راستا باید توجه شود که عراق طی دو دهه گذشته همواره در کانون توجهات قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته و به دلیل وضعیت جغرافیایی خاص این کشور به محلی برای رقابت این بازیگران در موازنه قوای آسیای غربی و طراحی‌های سیاسی - امنیتی برای تعیین نظم مورد نظر آنها بوده است.

اینکه السودانی در تهران بر مسائل مختلفی مانند از سرگیری دوباره صادرات گاز ایران به عراق یا توسعه مناسبات اقتصادی توافق کرده یا خیر، موضوع مهمی از منظر روابط دوجانبه میان دولت چهاردهم و بغداد به شمار می‌رود اما مساله مهم‌تر این است که این سفر در زمانی انجام شد که صدای پای ترامپ به گوش می‌رسد. سیاست او در شرایط کنونی خاورمیانه با افت‌وخیزهای متعدد می‌تواند همراه باشد و حتی برخی‌ها اعتقاد دارند که او در مورد عراق ممکن است پیام‌هایی را از مجرای بغداد به تهران ارسال کرده باشد که یکی از آنها می‌تواند تعیین تکلیف وضعیت حشدالشعبی و گروه‌های مقاومت باشد.

هرچند مقامات عراقی بارها بر عدم انحلال این تشکیلات و سازمان تاکید کرده‌اند اما باید متوجه بود که اوضاع و احوال سوریه، لبنان و حملات متعدد به یمن، نشانگر آن است که ایالات متحده تحت رهبری ترامپ می‌تواند زیر فشار اسرائیل، تصمیمات جدیدی در خصوص منطقه بگیرد.



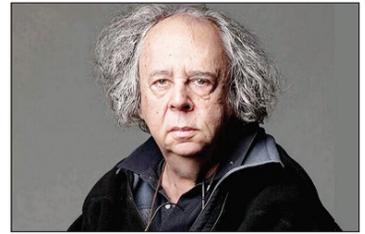
چالش توسعه عادلانه

نقد و بررسی کتاب توسعه متزلزل در خانه اندیشمندان علوم انسانی

یاد

نابغه و آوانگارد

ریچارد فورمن نمایش‌نویس آمریکایی درگذشت



ریچارد فورمن، نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس آوانگارد آمریکایی که بی‌وقفه به نمایش‌نامه و تئاتر می‌پرداخت و تئاتر «هستی‌شناسی» را تأسیس کرد، در ۸۷ سالگی درگذشت. دیوید هرسکوویتز، مدیر هنری تئاتر تارگت مارچین در بروکلین و یکی از مدیران بنیاد ادبی فورمن، گفت مرگ او در بیمارستان و به دلیل عوارض ذات‌الریه رخ داده است. فورمن شرکت خود را سال ۱۹۶۸ با عنوان تئاتر «هستی‌شناسی - هیستریک» تأسیس کرد و در ادامه بیش از ۵۰ نمایش‌نامه خود را از طریق آن ارائه کرد. این گروه نمایشی سال‌ها در یک کلیسای تاریخی مستقر بودند. نام کمپانی او به ماهیت هستی و اعتقاد خود او اشاره دارد که موقعیت‌های زندگی را اساساً متشنج می‌دید و باور داشت، احساسات سرکوب شده به‌عنوان تعاملات فلسفی ظهور می‌کنند. عنوان نمایش‌نامه‌های او حکایت از جهان‌بینی او داشت. «موج‌های باهمی رویایی برای ماساچوست غربی» (۱۹۷۱) یکی از مهم‌ترین آثار متعدد فورمن با آهنگ‌ساز استنلی سیلورمن از جمله این آثار است. «سر من یک پتک بود» (۱۹۷۹) درباره یک استاد و دو دانشجو که با ناامیدی از کسب دانش روبه‌رو هستند، «پسر بد» (۱۹۸۰) درباره فروپاشی عصبی فیلسوف آلمانی و «شاه کاپوی روفوس بر جهان حکومت می‌کند!» (۲۰۰۴) که از دولت جورج دبلیو بوش الهام گرفته بود از دیگر آثار او هستند که مبتنی بر دیدگاه فلسفی‌اش شکل گرفتند. بن برانتلی در یکی از تفدهای تایمز در سال ۲۰۰۴ از نمایش‌نامه‌های فورمن به‌عنوان «مینی‌های بی‌نظیر» یاد کرد که شادی‌های تئاتری سرگیجه‌آوری را ارائه می‌کنند.

ریچارد فورمن سال ۱۹۳۷ متولد شد و از دبیرستان علاقه اولیه خود را به تئاتر نشان داده بود. خیلی زود و در سال ۱۹۵۳ نمایش‌نامه «پوته» اثر آرتور میلر را تهیه و کارگردانی کرد. او سال ۱۹۵۹ از دانشگاه براون در رشته ادبیات انگلیسی فارغ‌التحصیل شد و به تشکیل گروه تئاتر دانشجویی در آنجا کمک کرد. او اوایل کارش بخشی از یک گروه فیلم‌سازی بود ولی بعد به نویسندگی روی آورد. فورمن اولین جایزه اوبی (مخصوص نمایش‌های برادوی) را سال ۱۹۷۰ برای «پله‌های فیل» که از آن به‌عنوان ابرایی درباره یک نمایش رادیویی یاد می‌شود، دریافت کرد و در ادامه مسیر خلاقیتش بیش از نیم دو جین جایزه اوبی دیگر به کارنامه‌اش افزود که یکی از آن‌ها در سال ۱۹۷۳ برای خود تئاتر «هستی‌شناسی - هیستریک» بود و در سال ۱۹۷۶ برای «رودا در سرزمین سیب‌زمینی» که نمایشی تقریباً دو ساعته در یک پرده درباره زنی که رویاهای عجیبی می‌بیند، یک اوبی دیگر گرفت. فورمن سال ۱۹۹۵ در ۵۸ سالگی بورسیه بنیاد مک‌آرتور را دریافت کرد که عموماً به‌عنوان کمک هزینه به شخصیت‌های نابغه اهدا می‌شود. آخرین نمایشی که فورمن نوشت و کارگردانی کرد «یک عاشقانه واقعی» بود که سال ۲۰۱۳ روی صحنه رفت. او سال ۲۰۱۸ در یک گفت‌وگوی ویدیویی گفت هرگز از دنیا خیلی خوشحال نبوده و آنچه وادارش می‌کند تا بنویسد این نیاز وسواسی است که بفهمد چه چیزی این‌جا نیست که او می‌خواهد باشد و گفت: «من نمایشنامه می‌نویسم تا سعی کنم این خلأ بزرگ را پر کنم.» نمایش‌نامه‌های «نیجه، ای پسر بد!» و «حالا» که کمونیسم مرده، من احساس پوچی می‌کنم» از این نویسنده به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند.

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری سیستم پژو تیپ ۴۰۵ جی ال ایکس ای ۱/۸ مدل ۱۳۸۸ به رنگ نقره ای متالیک به شماره انتظامی ۷۹ ایران ۳۶۴ ط ۷۴ به شماره شاسی NAAM۰۱CA8AE854۹۲ و به شماره موتور ۱۲۴۸۸۲۵۲۷۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نشست نقد و بررسی کتاب «توسعه متزلزل» نوشته حسین رجبپور که نشر نهادگر آن را منتشر کرده به همت گروه اقتصاد خانه اندیشمندان علوم انسانی، دوشنبه ۱۷ دی در سالن حافظ خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

حسین رجبپور، نویسنده کتاب «توسعه متزلزل» در ابتدای این نشست گفت: «این کتاب درباره توسعه فراگیر است. توسعه فراگیر در ساده‌ترین بیان توسعه‌ای است که سعی دارد به گروه‌های محروم و حاشیه رانده از فرآیند توسعه، توجه کند و می‌گوید آن توسعه‌ای توسعه مناسب است که همراه با فراگیری باشد و همه بخش‌های جامعه را دربر بگیرد و گروه‌هایی بیرون از توسعه نباشند. مفهوم توسعه فراگیر در سه مرحله پایه‌ریزی شد. اولین بار در عصر جدید و در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم بود. در آن زمان بحث شد که انسان‌ها در زندگی هدف‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند اما اگر سطح درآمد آن‌ها بالا برود، می‌توانند اهداف خود را بهتر دنبال کنند. در واقع درآمد آن مسیری بود که قرار بود به افسردگی بدهد تا در زندگی‌شان توانمندتر باشند. بنابراین به‌عنوان یک مطلوب جمعی مورد توجه کشورهای قرار گرفت. اما در دهه‌های پایانی قرن بیستم این موضوع مطرح شد که اگرچه درآمد برای دستیابی به زندگی بهتر مهم است اما تمام موضوع نیست و باید به آگاهی داشتن برای انتخاب‌های مناسب هم توجه داشته باشیم. اگر انسان‌ها جسم سالمی نداشته باشند که بتوانند به آن‌ها زندگی طولانی بدهد، حتی اگر درآمد بیشتری داشته باشند، نمی‌توانند از آن استفاده کنند. بنابراین در پایه‌ترین بحث این موضوع مطرح شد که اگر توسعه دنبال بهبود کیفیت زندگی انسان‌هاست، نمی‌تواند فقط در افزایش درآمد خلاصه شود. بهبود کیفیت زندگی یک موضوع چند بعدی است و موضوعاتی چون سطح آموزش، سطح سلامت و سطح درآمد در آن موثر هستند. در مرحله دوم تحول توسعه، توسعه مفهومی فراتر از رشد و چند بعدی دیده می‌شود. در مرحله سوم که به توسعه فراگیر منتهی می‌شود، مطرح شد که اساساً دست‌یابی انسان‌ها به رفاه و توسعه، تابع تقسیم کار است. مشاغل مختلف در کنار همدیگر به انسان‌ها کمک می‌کند، زندگی بهتری داشته باشند. تقسیم کار می‌تواند به صورتی انجام شود که در عین افزایش رفاه، سهم غالب آن تنها به بخش کوچکی از جامعه برسد و بقیه بخش‌های جامعه عبه رغم مشارکت‌شان در تولید جمعی از سهم مناسبی برخوردار نباشند. از این‌جاست که نظریه عدالت در فرآیند توسعه مهم می‌شود. در جامعه‌ای که نابرابری زیاد است، توسعه به نفع اقلیت است و این توسعه نمی‌تواند پایدار باشد. در توسعه فراگیر این مسأله تأکید می‌شود که فراگیری جزء مهمی از پایداری است و بدون آن توسعه پایدار ممکن نیست. در چند دهه گذشته در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته توجه به توسعه فراگیر قابل مشاهده و مطالعه است. به عنوان مثال در برنامه هند جدید مدام بر رشد فراگیر تأکید شده است یا چین بعد از این که در دهه ۲۰۰۰ ضریب جینی‌اش به شدت افزایش پیدا کرد، در دهه ۲۰۱۰ با مفهوم ایجاد یک جامعه ماهرنگ در آن شاهد گذار به نوعی توسعه فراگیر در این کشور بودیم. از این زاویه اگر بخواهیم به ایران نگاه کنیم، ایران در طول دهه‌های گذشته درگیر فرآیندهایی از توسعه بوده که آمرانه و تمرکزگرا بوده است. البته در شرایط کنونی کشور در وضعیتی قرار گرفته که با توجه کمبودها و ناترازی‌های متعدد حتی مسأله رشد زیر سوال است و در این وضعیت شاید این بحث‌ها فزاینده و شیک به نظر برسد. من در این کتاب تلاش کرده‌ام، خوانش و تصویر متفاوتی از توسعه ارائه دهم و بگویم اگر ما به فرای خروج از این شرایط اندیشیدیم اگر به کیفیت رشد و برابری توجه نکنیم، باز درگیر چالش‌های دیگری خواهیم شد. یک‌سری از ویژگی‌های فرآیند توسعه در ایران این است که



شاخص‌های توسعه در استان‌های مرزی (۱۶ استان) به وضوح از استان‌های مرکزی پایین‌تر است و در استان‌های مرکزی هم بین مرکز استان و شهرستان‌ها تفاوت جدی وجود دارد. بنابراین ما فرآیندهای بسیار نابرابری را تجربه کرده‌ایم. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۸۴ شاهد روی کار آمدن دولتی بودیم که دو دولت قبل از خودش را کاملاً نفی می‌کرد. از منظر اقتصادی باید پاسخ داده شود که چرا آن ۱۶ سال فرصت توسعه نتوانست اجتماعی بر سر دنبال کردن حداقل‌ها ایجاد کند. در این کتاب نشان داده‌ام که ما از سال ۱۳۸۲ در حال درجا زدن در زمینه شاخص‌های توسعه فراگیر بوده‌ایم و تقریباً از این زمان افول‌مان شروع شده است.»

ناکافی بودن علم اقتصاد متعارف

در ادامه این نشست علیرضا علوی‌تبار، پژوهش‌گر سیاست‌گذاری عمومی گفت: «هر تجویزی در هر زمینه‌ای که باشد اگر بخواهد موجه باشد باید دارای دو پایه باشد؛ یکی پایه توصیفی و تبیینی و دیگری پایه ارزشی و هنجاری. توصیف، تبیین و تفسیر بدون تئوری و چارچوب نظری در علوم اجتماعی بی‌معنا است. از قدیم این پرسش مطرح بوده که آیا علم اقتصاد متعارف و جریان اصلی آن (اقتصاد خرد نئوکلاسیک و اقتصاد کلان کینزی و پساکینزی) چارچوب نظری کافی برای تبیین به ما می‌دهد یا نه؟ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعیین راهبرد اقتصادی هر سه نوعی توصیه و تجویز هستند و نیازمند دو پایه تبیینی و هنجاری. اسکار لانگه (۱۹۰۴ - ۱۹۶۵)، اقتصاددان لهستانی حامی سوسیالیسم بازار معتقد بود، پدیده‌های جاری و کوتامدت را می‌توان با کمک علم اقتصاد متعارف تبیین کرد اما پدیده‌های بلندمدت و ساختاری احتیاج به چارچوب نظری دیگری دارد و به همین دلیل معتقد بود توسعه و توسعه‌نیافتگی را با کمک علم اقتصاد متعارف نمی‌توان توضیح داد. کسانی که معتقد بودند، علم اقتصاد متعارف برای تبیین کافی است با چند مشکل مواجه شدند. اولین مشکل این بود که در اقتصاد متعارف رفتار دولت‌ها به‌عنوان یک متغیر برون‌زا در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی متغیری که ما نمی‌دانیم تحت‌تأثیر چه عواملی تعیین می‌شود و کنترلی هم بر آن نداریم. در حالی که این‌ها دنبال مدل‌هایی بودند که رفتار دولت‌ها از جمله سیاست‌های پولی و مالی و سیاست‌های توسعه‌ای را به‌طور برون‌زا تبیین نکند بلکه آن‌ها را درون‌زا تبیین کند. نکته دیگر این بود که معمولاً در اقتصاد متعارف این فرضی وجود داشت که همه بازیگران اقتصادی دوست دارند به سمت رقابت کامل بروند؛ در حالی که اطلاعات اقتصادی که از

جوامع مختلف داشتیم، نشان می‌داد بسیاری با نقض کردن و کنار گذاشتن شرایط یک رقابت کامل تلاش می‌کنند سود بیشتری ببرند و از رانت بیشتری برخوردار بشوند. علاوه بر این مدافعان اقتصاد متعارف معتقدند عدم تعادل‌هایی که در اقتصاد متعارف می‌بینیم با تحول قیمت‌ها تعدیل می‌شود و دوباره تعادل برقرار می‌شود. این تبیین در واقع قدرت‌مندی کسانی که از عدم تعادل‌ها فایده می‌برند را نادیده می‌گیرد. این افراد منتفذه به خاطر همین منافع سعی می‌کنند، تعادلی برقرار کنند که لزوماً تعادل حاصل از تعدیل قیمت‌ها نیست. این زمینه‌ها بسترساز پیدایش اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک شد. مباحثی مثل نظریه انتخاب جمعی، نظریات مربوط به نهادگرایی جدید و... ضمن این که علم اقتصاد متعارف را رد نمی‌کنند، سعی می‌کنند چارچوب‌شان را گسترش بدهند تا بتوانند این واقعیت‌ها را هم تبیین کنند. برای مدتی مباحث مربوط به اقتصاد توسعه در چارچوب اقتصاد متعارف تفاسی می‌کرد و سعی می‌کرد با گسترده کردن چارچوب‌های اقتصاد متعارف پدیده توسعه و توسعه‌نیافتگی را تبیین کند. اما تنها تبیین کافی نبود و یک چارچوب ارزشی و هنجاری هم لازم بود تا به کمک آن وضع موجود نقد شود و افقی برای آینده پیشنهاد داد. در این مرحله دو مفهوم توسعه همه‌جانبه و توسعه فراگیر شکل گرفت که در کتاب «توسعه متزلزل» توضیح داده شده‌اند. در بحث توسعه همه‌جانبه، توسعه فقط به بعد اقتصاد خلاصه نمی‌شود و سیاست، فرهنگ و روابط اجتماعی را هم در نظر می‌گیرند. منظور از توسعه فراگیر، توسعه‌ای است که کسی طرد نمی‌شود. حسن این کتاب در این است که هم به مباحث توصیفی و تبیینی می‌پردازد و هم چارچوب ارزشی و هنجاری به شما می‌دهد.»

در بخش پرسش و پاسخ، حسین رجبپور در پاسخ به این سوال که عنوان متزلزل که در کتاب آمده بیشتر ناظر به برنامه‌های توسعه است یا به کارگزاران برنامه‌ها گفت: «آن چیزی که باعث شده عنوان را توسعه متزلزل استفاده کنیم، عملکرد است. در واقع وقتی به شاخص نگاه کنیم، می‌بینیم به جای یک روند صعودی روندی از فراز و فرودهای جدی می‌بینیم که اصطلاحاً به آن لیزوهای توسعه گفته‌ام. در یک‌سری سال‌ها فرآیند توسعه در مسیر رشد بوده و در سال‌هایی هم نزولی بوده است. با این تصویر کلی که مسیر کنونی نزدیک به همان ابتدای دوره است و این نشان می‌دهد که یک فرآیند انباشتی وجود نداشته و به این معنا متزلزل وجود دارد. ولی این که این متزلزل به برنامه برمی‌گردد یا کارگزاران به دلیل پیچیدگی‌های تبیین علی با ابهام‌های جدی روبه‌رو هستیم.»

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه عمومی خرید و تأمین کالا و تجهیزات، نصب، اجرا و راه اندازی و تکمیل پروژه پایش تصویری



۶) سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۱۹/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، به حروف (نوزده میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون ریال) می‌باشد، که می‌بایست به صورت یکی از روشهای مشروحه ذیل در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری و اصل رسید بانکی واریز وجه یا ضمانتنامه بانکی تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ ساعت ۱۴:۰۰ در دبیرخانه شهرداری واقع در بلوار رسول اکرم (ص)، ساختمان مرکزی شهرداری ملارد تسلیم گردد. الف) رسید بانکی واریز وجه مذکور به حساب شماره ۰۱۱۶۶۸۵۴۲۸۰۰۳ سپرده شرکت در مناقصه نزد بانک ملی شعبه ملارد کد ۲۶۱۶ ب) ضمانتنامه بانکی به نفع شهرداری ملارد به حساب به شماره ۰۱۱۶۶۸۵۴۲۸۰۰۳ نزد بانک ملی ایران شعبه ملارد کد ۲۶۱۶ ج) لازم بذکر است نفرات اول، دوم و سوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب به نفع کارفرما ضبط خواهد شد. د) لازم بذکر است سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد. ه) لازم بذکر است شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادهای مختار است. و) هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه است. ز) زمان بارگذاری پیشنهادها در ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ در سالن جلسات ساختمان مرکزی شهرداری ملارد می‌باشد.

شهرداری ملارد در نظر دارد به استناد بودجه مصوبه سال ۱۴۰۳ به شماره ۱۷۴۱/ش م ص/۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۷، مناقصه عمومی خرید و تأمین کالا و تجهیزات، نصب، اجرا و راه اندازی و تکمیل پروژه پایش تصویری را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت عدم عضویت در سامانه نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت بر خط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را بعمل آورند. ۱) موضوع مناقصه: خرید و تأمین کالا و تجهیزات، نصب، اجرا و راه اندازی و تکمیل پروژه پایش تصویری ۲) مبلغ اعتبار: ۳۹۵۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سیصد و نود و پنج میلیارد ریال) ۳) مدت اجرای کار: ۵ ماه می‌باشد. ۴) مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ ساعت ۱۴:۰۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می‌باشد. ۵) مهلت قبول و بارگذاری پیشنهادات: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ ساعت ۱۴:۰۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می‌باشد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

گزارش شبکه خانگی

فصل دوم شوگان ساخته می‌شود

به دنبال رکوردشکنی در گلدن گلوب و امی سازندگان تصمیم به ساخت فصل بعد گرفتند

اکشن بلاک باستر تاریخی «شوگان» صاحب فصل دوم می‌شود. شبکه اینترنتی اف ایکس تهیه‌کننده فصل تازه این اثر پرریننده است. کار نگارش فیلمنامه فصل تازه این درام پرتش تاریخی قرون وسطایی از دو ماه قبل آغاز شده است.

«شوگان» یک مجموعه تلویزیونی درام تاریخی آمریکایی است که توسط ریچل کندو و جاستین مارکس ساخته شده است. این مجموعه بر پایه رمانی به همین نام نوشته جیمز کلیول در سال ۱۹۷۵ ساخته شده که پیش از آن یک مینی سریال دیگر در سال ۱۹۸۰ از این رمان اقتباس شده بود. اگرچه این مجموعه محصول آمریکاست، بیشتر گروه بازیگران ژاپنی هستند و اکثریت دیالوگ‌ها به زبان ژاپنی بیان می‌شوند. ریچل کندو یکی از دو خالق و کارگردان این سریال بسیار موفق، خبر از پایان کار نگارش فیلمنامه فصل دوم تا چند هفته دیگر می‌دهد. با این وجود، او حاضر به ارائه اطلاعات بیشتر در رابطه با داستان و ماجراجویی‌های این فصل نشده تا بر شوق و اشتیاق طرفداران سریال دامن بزند.

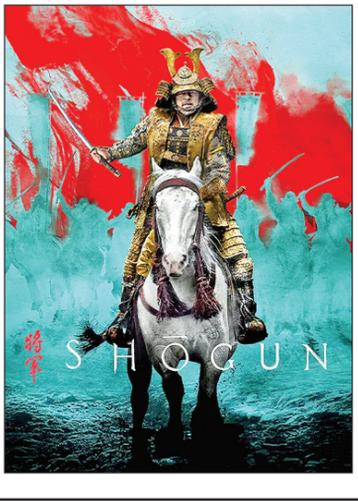
به گفته کندو: «بله، درست است. ما هنوز در تلاش هستیم تا یک داستان تازه و جذاب خلق کنیم تا بتوانیم فصل بعدی را جلوی دوربین ببریم. ما تسلیم یا خسته نمی‌شویم. نمی‌دانم دیگر باید چه بگویم. فکر کنم تا حدود ۶ هفته دیگر، یک فیلمنامه کامل داشته باشیم».

خانم کندو سریال شوگان را با کمک و همراهی همسر تهیه‌کننده و برنامه‌ساز خود جاستین مارکر تهیه و کارگردانی کرده است. کارگردان فصل دوم شوگان هم همین دو خواننده بود. این دو هنرمند تأکید می‌کنند که طرح‌ها و برنامه‌های زیادی برای شوگان داشته و قصد دارند تولید آن را تا چندین فصل ادامه دهند.

چند روز قبل و در جریان برگزاری مراسم سالانه جوایز گلدن گلوب، شوگان توانست در رشته درام چهار جایزه مهم و از جمله بهترین سریال درام، بهترین بازیگر مرد و زن درام (برای هیرویوکی سانادا و آنا ساوای) و بهترین بازیگر مرد نقش مکمل (برای تادانوبو آسانو) را دریافت کند.

شوگان داستان برخورد در مرد جابلو از دو جهان مختلف است. زمانی که کشتی درحال غرق جان بک تونر انگلیسی (کازمو جارویس) سر از ژاپن دوران فنودالیسم درمی‌آورد، بسا لرد توراناما (سادانا) رودرو می‌شود که مردی قدرتمند است. نکته جالب اینکه شوگان در اصل قرار بود یک سریال محدود چند اپیزودی باشد، اما نقدهای مثبت منتقدان و استقبال عالی تماشاگران باعث شد تا داستان گسترش پیدا کند.

در جوایز ۲۰۲۴، سریال «شوگان» با کسب نامزدی در ۲۵ بخش پیشستاز جوایز شد و «خرس» با ۲۳ نامزدی پشت سر آن قرار گرفت. در نهایت با معرفی برندگان جوایز امی ۲۰۲۴ «شوگان» با ۱۸ جایزه، نام خود را در تاریخ ثبت کرد. در این مراسم «شوگان» هم برنده بهترین درام شد، جایزه بازیگر نقش اول به بازیگرش هیرویوکی سانادا رسید که رقبایی چون ادیس البا و گری اولمن را شکست داد، جایزه بازیگر نقش اول زن به آنا ساوای رسید که رقبایی چون جنیفر انیستون و ریس ویترسون را شکست داد و کارگردان آن فردریک ای. او. توی هم بهترین کارگردان درام شد. «شوگان» که ۱۴ جایزه امی هنری خلافت را دریافت کرده بود، تعداد جوایزش را امی سال گذشته به ۱۸ جایزه رساند.



نمایش مستند نتایهاو در ایران

فیلم مستند «پرورنده‌های بی‌بی»، تازه‌ترین اثر از الکسیس بلوم و الکس گیبینی، به صورت اختصاصی در ایران ترجمه و برای اولین بار از طریق شبکه عصر بخش شد. این مستند به یکی از پیچیده‌ترین و جنجالی‌ترین پرونده‌های سیاسی تاریخ رژیم صهیونیستی می‌پردازد. فیلم، تصاویری منتشر نشده از بازجویی‌های پلیس اسرائیل از بنیامین نتانهاو، نخست‌وزیر کنونی این کشور، خانواده‌اش و نزدیک‌ترین همراهان او را به نمایش می‌گذارد.



کاهش فروش سینماهای چین

مجموع فروش گیشه چین در سال ۲۰۲۴ با کاهش ۲۳ درصدی نسبت به سال گذشته به ۵.۸۱ میلیارد دلار (۴۲.۵ میلیارد یوان) رسید، که پایین‌ترین میزان از سال ۲۰۱۵ است و ۳۴ درصد کمتر از اوج پیش از کووید در سال ۲۰۱۹ است و نشانه‌ای از ادامه چالش‌ها برای بازگشت به شرایط عادی پس همه‌گیری است. در مجموع، ۵۰۱ فیلم در سال ۲۰۲۴ اکران شدند، رقمی تقریباً مشابه در سال ۲۰۲۳.



دفاع مایکل مور از مستند فلسطینی

مایکل مور، کارگردان و تهیه‌کننده برنده اسکار آمریکایی، کمپین‌های قدرتمند تبلیغاتی را به پنهان کردن آنچه گروه‌های حقوق بشری «انسل کشی و پاک‌سازی قومی در غزه» توصیف می‌کنند، متهم کرده است. مور همچنین مکان‌های نمایش فیلم «از نقطه صفر» در آمریکا را به اشتراک گذاشته و از مردم خواست آن را تماشا کنند. این مستندساز به پرداختن بحران انسانی جاری در غزه در این فیلم اشاره کرد.

کار سخت جناب خان

هزارویک، نه می‌تواند تکرار خندوانه باشد و نه کیایی جا پای رامبد جوان بگذارد

یا باطل است؟ بی‌تردید تمامی مخاطبان با تماشای «جناب‌خان» جای خالی رامبد جوان را حس خواهند کرد. به‌خصوص اینکه جوان همیشه همراه این عروسک و بنوعی معرف آن به تلویزیون بود و حتی پس از اختلافاتی که میان تهیه‌کننده کوچه مروارید و تلویزیون به وجود آمد، رامبد جوان بسا همراهی مدیران وقت تلویزیون تلاش زیادی کرد که «جناب‌خان» را به «خندوانه» بازگرداند و در نهایت موفق به این کار شد.

حالا محسن کیایی در آزمون دشواری قرار گرفته. نمی‌تواند ادامه‌دهنده راه رامبد جوان باشد و شکل رابطه او با «جناب‌خان» را تکرار کند، بنابراین او باید طرحی نو دراندازد و کاری تازه انجام دهد که نه یادآور «خندوانه» باشد، نه اینکه تکرار رابطه جوان و «جناب‌خان».

برنامه «خندوانه» اولین بار در خردادماه سال ۱۳۹۳ کار خود را آغاز کرد و در طی هشت فصل توانست رضایت بالایی مخاطبان را، در سال‌های متوالی حفظ کند. رامبد جوان در این برنامه توانست رویکردهای تازه‌ای از کمدی را برای مخاطب آشناتر و جدی‌تر کند و به صورت جدی واژه «استندآپ کمدی» را میان مردم رایج کرد. تعدادی از کمدین‌هایی که در این برنامه پرورش پیدا کردند، همین حالا در برخی برنامه‌های تلویزیون و شبکه نمایش خانگی فعالیت دارند. رامبد جوان هر کاری که نکرده باشد که البته کارهای بسیاری در تلویزیون انجام داد، تعدادی کمدین و بازیگر تربیت کرد که هر یک از آنها حالا صاحب‌نام هستند و خود تبدیل به مجری یا استندآپ کمدین شدند.

حضور رامبد جوان و «جناب‌خان» در کنار هم علاوه بر اینکه شکل‌دهنده برنامه‌های موفق و پرریننده شده بود، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بسیاری هم داشت. در آن دوره هم باید در مصرف برق در تابستان صرفه‌جویی می‌شد، در همان دورانی که خندوانه‌شو اجرا می‌شد و خندوانه این برنامه را در دل خود داشت. مدیران وزارت نیرو و اعلام کردند در زمان پخش این برنامه و دعوت مجریان آن به صرفه‌جویی، مصرف برق به یک‌باره کاهش محسوسی پیدا می‌کند. از سوی دیگر، رامبد جوان در یکی از فصل‌های برنامه‌اش مردم را تشویق به کتاب‌خوانی می‌کرد و آثاری که در برنامه‌اش معرفی می‌شد با استقبال خوبی در بازار کتاب مواجه می‌شد. همه اینها نشان از تأثیرگذاری این برنامه داشت. اما مدیران تلویزیون که عادت به از دست دادن سرمایه‌های خود دارند، بی‌دلیل و به راحتی این برنامه را از آنتن خود حذف کردند و به سرعت دچار بحرانی شدند که نارضایتی مدیران بلندپایه نظام را هم به دنبال داشت. حالا که قرار است چهره‌های پرطرفدار دوباره به تلویزیون بازگردند، در کنار تمام خوشنودی و امیدواری‌ها این

بیم‌وترس وجود دارد که حضور تازه این چهره‌ها نتواند خاطرات خوب گذشته را تکرار کند و حتی باعث لوٹ شدن این چهره‌ها و خاطرات دلچسب آنها شود. خدا کند «جناب‌خان» که زمانی که در «خندوانه» بود با وسواس و سختگیری بسیاری جلو دوربین می‌رفت، این بار هم با همان میزان حساسیت در برنامه «هزارویک» حضور پیدا کرده و محسن کیایی زوج خوبی برای او باشد و هر دو بتوانند حتی برنامه‌ای بهتر و سرزنده‌تر از «خندوانه» را برای مخاطب تلویزیون روی آنتن بفرستند.

این روزها برنامه «اکتون» با اجرای سروش صحت هر هفته از یکی از پلنفرم‌ها پخش می‌شود و این حسرت و افسوس را هر بار با خود در ذهن مخاطبان تکرار می‌کند که چطور تلویزیون یکی از برنده‌های مهم خود را به این راحتی از دست داد و یکی از پرریننده‌ترین برنامه‌های خود را فدای نگاه‌های جزمی و بی‌دلیل کرد. برنامه‌ای که هم مورد توجه تماشاگر خاص بود و وزارت خاصی داشت، چراکه کارشناسان فرهیخته‌ای در آن حضور داشتند و هم تماشاگر عام از تماشای آن لذت می‌برد و حتی به کتاب‌خوانی هم تشویق می‌شد. صحت هم در میان هم‌نسلان خود تنها هنرمندی بود که بر اجرای درست و بی‌نقص تسلط داشت، سوالات‌اش کلیشه‌ای و تکراری نبود و به تناسب مهمانی که به برنامه دعوت کرده بود، سوال می‌پرسید و گاهی اوقات او را محترمانه به چالش می‌کشید.

حالا با برنامه جدید «هزارویک» قرار است جناب‌خان و محسن کیایی هم به تلویزیون برگردند. جناب‌خان به‌عنوان شخصیت عروسکی محبوب برنامه «خندوانه» با صدایشگی محمد بحرانی، قرار است کنار محسن کیایی قرار بگیرد؛ بازیگری که به خاطر نقش‌های کمدی بازمه‌ای که ایفا کرده بسیار مورد توجه قرار دارد. او همین اواخر مسابقه «صداتو» را در شبکه نمایش خانگی اجرا کرد و نشان داد در اجرا هم مثل بازیگری توان زیادی د.

اما با توجه به اینکه این اولین حضور جدی و تمام‌وکمال جناب‌خان به‌عنوان یک شخصیت مستقل از برنامه «خندوانه» در تلویزیون است این سوال وجود دارد که آیا دور استفاده از شخصیت‌هایی که در قالب برنامه‌هایی دیگر مشهور شده‌اند و مورد توجه مخاطبان بوده‌اند در چارچوب جدید بالاخره نتیجه می‌دهد



طبق اعلام شبکه نسیم از ۲۵ دی‌ماه برنامه تلویزیونی «هزارویک» با مجری‌گری محسن کیایی و حضور شخصیت عروسکی جناب‌خان چهار شب در هفته روی آنتن این شبکه می‌رود. این برنامه که طنز محور است با هدف جذب مخاطب و ایجاد سرگرمی در ساعات پایانی شب تهیه می‌شود. مدیران جدید تلویزیون با این انتخاب سعی دارند مخاطب از دست رفته این شبکه را برگردانند.

از سال ۱۴۰۰ که تلویزیون بعد از «۹۰»، «کتاب‌باز»، «خندوانه»، «دورهمی» و «عصر جدید» را از دست داد و بسیاری از کارگردان‌های مطرح سریال‌های پر مخاطب هم قید همکاری با این رسانه را زدند، این رسانه وضعیت نامناسبی پیدا کرد. با حذف چهره‌های کاربلد، تلویزیون به طور طبیعی با سیر نزولی مخاطبان روبه‌رو شد و حتی طیفی از تماشاگران وفادار خود را هم از دست داد.

زمستان سال گذشته بود که مدیران به فکر احیای اوضاع تلویزیون افتادند. به جریان افتادن دو پروژه «زیرخاکی» و «نون‌خ» با حضور چهره‌هایی مثل پژمان جمشیدی و سعید آقاخانی و همچنین بازگرداندن محمدرضا گلزار برای مسابقه پانتلویک نشان از این داشت که مدیران رسانه ملی متوجه سیاست‌های غلط خود شده‌اند. همچنین بعد از مدت‌ها از ایرج طهماسب دعوت شد تا به تلویزیون برگردد و «مهمونی» را به جای شبکه نمایش خانگی، این‌بار در قالبی جدید با حضور شخصیت‌های عروسکی جدید و قدیمی کنار هم تولید کند. علاوه بر اینها پای مجری‌های مطرحی مثل فرزاد حسنی را هم به برنامه شب سال نو باز کردند. جالب اینجاست که این روزها پوششی در خبرگزاری فارس به راه افتاده تا فصل تازه «مهمانی» هم در تلویزیون تولید شود که این اقدام از سوی خبرگزاری اصولگرا نشان می‌دهد که چرخش مدیران تلویزیون به نفع خودشان هم تمام شده و با بازگرداندن یکی از هنرمندان شاخص خود که دودستی تقدیم شبکه خانگی کرده‌اند، رضایت بخشی از مخاطبان که نظرشان انقضا

برای آنها مهم است هم فراهم شده است.

پس از این اقدام با توافقی که با محسن نتاننده و سیروس مقدم انجام شد، یکی از پر مخاطب‌ترین سریال‌های تلویزیونی، یعنی «پایتخت ۷» هم به جریان افتاد. مدت‌هاست تیم تولید پایتخت درحال ضبط سریال هستند و به احتمال زیاد از اواخر سال روی و همزمان با تعطیلات نوروز روی آنتن می‌رود.

پیمان جبلی، رئیس رسانه ملی هم چند روز پیش در همایشی اذعان کرد: «کاربلدهای رسانه ملی را از فعالیت در آن متنوع نکرده‌ام و منعی برای بازگشت هنرمندان به صداوسیما نداریم». اما این رئیس رسانه خود می‌داند که در این میان استثناهایی هم وجود دارد که هنوز مدیران رسانه‌اش نتوانسته‌اند با حضور آنها کنار بیایند یا اینکه شرایط آنقدرها مهیا نیست که تمامی چهره‌های شاخص به تلویزیون بازگردند.



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

نیاز سبز

فناوری چگونه اقتصاد جهان را پاک می‌کند؟

سعید اسدیور

تحلیلگر اقتصاد

رهبران و سیاست‌گذاران جهان در دو دهه اخیر بیشتر به این موضوع باور پیدا کرده‌اند که توسعه فناوری با به‌کارگیری الگوهای توسعه پایدار و متعاقب آن، کاهش آلودگی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی، نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست ایفا می‌کند. اکنون کشورها درحالی طی کردن مسیری هستند که با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، چشم‌انداز پایداری را برای خود ترسیم کرده‌اند تا از مزیت‌های ویژه اقتصادی آن بهره‌مند شوند. پیامدهای اقتصادی فناوری سبز، بهره‌وری انرژی، مدیریت پسماندها و کنترل آلودگی، رویکردهای اصلی اقتصاد محیط زیست را تشکیل می‌دهند. نوآوری سبز به توسعه فناوری‌هایی گفته می‌شود که ضمن ارتقای رشد اقتصاد، اثرات زیست‌محیطی را نیز کاهش می‌دهد. انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی نه تنها انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش می‌دهند، بلکه باعث ایجاد شغل و افزایش انگیزه برای اجرای فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر، در سال ۲۰۱۸ بیش از ۱۱ میلیون نفر در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر کشورهای سراسر جهان مشغول به کار بوده‌اند که این رقم در سال ۲۰۲۳ به ۲۲ میلیون نفر افزایش یافته است. فناوری‌های کاهنده مصرف نیز، به‌کارگیری انرژی در ابعاد مختلف را تا حد زیادی کاهش داده و به تبع آن، هزینه‌های تحمیل‌شده به مشاغل، کسب‌وکارها و خانوارها را کمتر کرده است. مثال روشن این فناوری‌ها، لامپ‌های روشنایی ال‌ای‌دی هستند که تا ۸۰ درصد انرژی کمتری نسبت به لامپ‌های رشته‌ای سنتی مصرف می‌کنند و به‌طور قابل توجهی، دوام بیشتری دارند. وزارت انرژی ایالات‌متحده آمریکا تخمین زده که استفاده از این لامپ‌های ال‌ای‌دی تا پایان سال ۲۰۲۷ سالانه ۳۰ میلیارد دلار در هزینه‌های انرژی صرفه‌جویی به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، فناوری‌های پیشرفته مدیریت پسماند مانند سامانه‌های بازیافت و تبدیل زباله به انرژی، علاوه بر کاهش در حجم و اندازه زباله‌ها، مساحت کمتری از زمین را برای دفن زباله اشغال می‌کنند و تا حد زیادی سبب تولید انرژی از انواع پسماندها می‌شوند. سانترانسیکو در آمریکا یک نمونه جامع از به‌کارگیری این سامانه‌ها به‌شمار می‌رود. در این شهر، به لطف برنامه‌های جامع بازیافت و استقرار امکانات تبدیل زباله به انرژی، نرخ بازیافت بیش از ۸۰درصدی ثبت شده که برای دیگر مناطق جهان، دست‌نیافتنی است. در کنار آن، به‌کارگیری فناوری‌هایی مانند تبدیل‌کننده‌های کانالیزوری در وسایل نقلیه و رسوب‌دهنده‌های الکترواستاتیک در کارخانه‌ها، کاهش آلودگی هوا را به ارمغان می‌آورند. آژانس جهانی حفاظت از محیط زیست گزارش داده، قانون هوای پاک که با استناد به آن، استفاده از فناوری‌های کنترل آلودگی الزامی شده، از زمان تصویب در سال ۱۹۷۰ تا پایان سال ۲۰۲۳، از وقوع ۲۳۰ هزار مرگ زودرس جلوگیری کرده است. انرژی خورشیدی، یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های توسعه فناوری برای حفاظت از محیط زیست به‌شمار می‌رود که تاکنون موفقیت‌های زیادی نیز به دست آورده است. پنل‌های خورشیدی نور طبیعی را به الکتریسیته تبدیل می‌کنند و وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش می‌دهند. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، ظرفیت انرژی خورشیدی در سال ۲۰۲۳، ۲۰۲۳، نزدیک به ۴۴۷ گیگاوات ظرفیت تولید انرژی جدید فراهم کرد تا مجموع توان خورشیدی جهان را به ۱/۶ تراوات برساند. این افزایش، به کاهش انتشار دی‌اکسید کربن و مهم‌تر از آن، ایجاد فرصت‌های شغلی متعدد در صنعت انرژی خورشیدی منجر شده است. شورای جهانی انرژی بادی نیز گزارش داده، ظرفیت انرژی بادی جهان در سال ۲۰۲۰ به ۷۴۳ گیگاوات رسید که ۷/۲ درصد از تولید برق جهانی را تشکیل می‌داد. بر مبنای پیش‌بینی‌ها، قرار بود مجموع ظرفیت جمعیتی تولید برق نصب‌شده در سراسر جهان با استفاده از نیروی باد، تا پایان سال ۲۰۲۳ به بیش از هزار گیگاوات برسد که این رکورد نیز به ثبت رسید. پروژه‌های انرژی بادی یک سود دیگر هم دارند؛ آنها از طریق ایجاد شغل و پرداخت اجاره به مالکان، مزایای اقتصادی بسیاری برای جوامع محلی فراهم می‌کنند. فراتر از همه این توانمندی‌ها، شبکه‌های هوشمند از فناوری دیجیتال برای مدیریت کارآمدتر برق و ادغام منابع انرژی تجدیدپذیر استفاده می‌کنند. براساس اعلام وزارت انرژی ایالات‌متحده، شبکه‌های هوشمند می‌توانند حداکثر تقاضای برق را تا ۱۵ درصد کاهش دهند که صرفه‌جویی در هزینه و بهبود قابلیت اطمینان را به دنبال دارد.

۳۵۰

تومان

افزایش قیمت

دیروز قیمت دلار به کانال ۸۰ هزارتومانی برگشت. درحالی که قیمت اسکناس آمریکایی در بازار غیررسمی در ۳ روز ابتدایی هفته در سطح قیمتی ۷۹ هزارتومانی معامله می‌شد، نرخ این ارز در بازار روز سه‌شنبه از مرز ۸۰ عبور کرد و در روز گذشته نیز با پیشروی ۳۵۰تومانی در این کانال به رقم ۸۰ هزار و ۵۵۰ تومان رسید. پیش‌بینی می‌شود که هم‌زمان با تزریق ارز پتروشیمی‌ها با تالار تجاری نرخ‌های این بازار کاهش یابد.

جنگ نخست

چرا اختلاف در تیم ترامپ بالا گرفته است؟

مهتا معرفت

مترجم

اوضاع از همین الان روبه وخامت گذاشته است. هنوز دونالد ترامپ به کاخ سفید وارد نشده، اما گروه خشن مشاورانش علیه یکدیگر به پا خاسته‌اند. ایلان‌ماسک و دیگر بزرگان فناوری در روزهای اخیر با طرفداران ماگا (بازگرداندن عظمت آمریکا) بر سر موضوع مهاجرت با یکدیگر درگیری‌های لفظی داشتند. آنچه در ظاهر یک مشاجره کوچک درباره وزیر به نظر می‌رسد، در حقیقت نشانه‌ای از یک تلاطم بزرگ است. فناوری برای اولین بار به دولت وارد می‌شود و دیدگاه‌هایش با نظرات جنبش ماگا تفاوت‌هایی عمیق دارد. روش حل‌وفصل این تنش‌ها و اینکه چه کسی به برتری می‌رسد در چهار دهه آینده به‌شدت بر اقتصاد و بازارهای مالی آمریکا تاثیر خواهد گذاشت.

شرکا و رقمای ترامپ را می‌توانیم به سه گروه شامل جریان‌های اصلی محافظه‌کار، هواداران «آمریکا فرست» (اول‌آمریکایی‌ها) و سرمایه‌گذاران فناوری تقسیم کنیم. در بسیاری از موارد، بین این گروه‌ها هم‌پوشانی وجود دارد. غالب این افسرد متفق‌القول‌اند که آمریکا به مقررات کمتر، دولت کوچک‌تر، مالیات کمتر، مهاجرت کمتر و موضع سخت‌گیرانه‌تر در قبال مخالفان خارجی نیاز دارد. تقریباً همه آنها از تجربیات فراوان در بخش دولتی یا خصوصی برخوردارند، اما اولویت‌ها و راهکارهایشان متفاوت است. حامیان ترامپ بر این باورند که اگر این تمایزات در دفتر بیضی‌شکل رئیس‌جمهور به بحث گذاشته شود، تصمیمات بهتری رقم خواهد خورد و مدیریت ضعیف، به آشفتگی در حکومت‌داری می‌انجامد.

اول آمریکا (America First) شعاری تاریخی در گفتمان سیاسی ایالات‌متحده است که سعی در ایجاد سیاست‌های انزواگرایانه، حمایت‌گرایی و عدم مداخله دارد. این شعار را نخستین‌بار رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا «وودرو ویلسون» در سال ۱۹۱۵ برای توجیه عدم مداخله آمریکا در جنگ جهانی اول استفاده کرد. پنج سال بعد، «هاردینگ» از حزب جمهوری‌خواه با همین شعار توانست رای اکثریت را به دست آورد. پس از مرگ هاردینگ در ۱۹۲۳، سیاست‌مداران دیگری هم به این شعار متوسل شدند. به عقیده برخی اقتصاددانان، استفاده از این شعار «سیاست همسایه‌ات را فقیر کن» منجر به رکود بزرگ اقتصادی در سال ۱۹۲۹ شد. جالب است که در دهه ۱۹۳۰ شعار «اول آمریکا» از سوی هواداران آلمان نازی و ایتالیای فاشیست برای جلوگیری از ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم در حمایت از بریتانیا به کار رفت و اکنون رئیس‌جمهور منتخب ایالات‌متحده، سیاست اصلی دولت خود را از این شعار الهام گرفته و بر آن تاکید دارد.

دقیقاً به سان دولت نخست دونالد ترامپ، جریان‌های اصلی محافظه‌کار، کرسی‌های تعیین‌کننده را در اختیار دارند و انتظار می‌رود با سازوکارهای «ترامپونمیکز»ی با سیاست‌های تجاری حمایت از صنایع داخلی یا به‌اصطلاح «پروتکشنیسم» مقابله کنند. «اسکات بسنت»، مدیر تراز اول صندوق‌های سرمایه‌گذاری و حامی رزمنازها، قرار است وزارت خزانه‌داری را اداره کند. «کوین هاست»، اقتصاددان معتبر و مشاور ارشد در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، رهبری شورای اقتصاد ملی را بر عهده خواهد داشت. «هوارد لوتیک»، میلیاردر معروف و مدیرعامل شرکت کاتنور فیتزجرالد به‌عنوان وزیر بازرگانی معرفی شده و «داگ بورگوم»، فرماندار سابق داکوتای شمالی و کارآفرین اقتصادی، وزارت کشور را رهبری خواهد کرد.

با این انتصاب‌ها، به‌ویژه پس از مشخص شدن نامزدهای

۲۰۰

تومان

کاهش قیمت یورو

برخلاف دلار، یورو و پوند در روز گذشته دچار افت ارزش شدند. میزان رشد یورو و پوند در روز سه‌شنبه بیشتر از دلار بود. افت ارزش روز گذشته این دو ارز ناشی از اصلاح نرخ‌ها در بازار است. یورو در عصر روز گذشته با افت ۷۰۰تومانی در رقم ۸۳ هزار و ۳۰۰ تومان معامله شد. پوند نیز با حدود ۸۰۰ تومان کاهش نسبت به نرخ روز سه‌شنبه در رقم ۱۰۰ هزار و ۴۰۰ تومان به فروش رسید.

جنگلی‌تر ترامپ برای پست‌هایی مانند وزارت دفاع و دادستانی کل، سرمایه‌گذاران و دیپلمات‌ها نفس راحتی کشیدند. یکی از مقام‌های دیپلمات در واشنگتن دی‌سی می‌گوید: «او اقتصاد را از دلفک‌بازی‌هایش دور نگه داشته است». در اولین دولت ترامپ هم نقش‌های تعدیل‌کننده به «استیون منوچین» (وزیر پیشین خزانه‌داری) و «گری کوهن» (مشاور اقتصادی پیشین کاخ سفید و مدیر گلدمن ساکس (از بزرگ‌ترین موسسات مالی و بانک‌های سرمایه‌گذاری جهان) رسید.

اما به نظر می‌رسد جریان اصلی این‌بار تمایل بیشتری برای همراهی با برنامه دونالد ترامپ دارد. به نظر «هاست»، تعرفه‌های ۱۰درصدی جهانی مزایای «بسیار قابل توجهی» برای آمریکا به همراه خواهد داشت و به استخراج منابع زیرزمینی کمک می‌کند. «بسننت» هم از تعرفه‌ها به‌عنوان اهرم مذاکره سخن به میان آورده است. به نظر او لحاظ کردن چنین عوارضی ارزشمند است، حتی اگر فی‌نفسه هدف نباشد. «لوتیک» که خلق‌و‌خوی ستیزه‌جویانه‌ای دارد، از اینها هم فراتر رفته و می‌گوید: «باید بر همه کشورهای جهان تعرفه وضع کنید تا حساب کار دستشان بیاید» و در مصاحبه‌ای پیش از انتخابات نیز گفته بود: «با وضع تعرفه‌ها به تولید رونق دهید». با این حال، سرمایه‌گذاران کماکان روی جریان‌های اصلی حساب می‌کنند تا مواضع سرسختانه ترامپونمیکز را کاهش دهند.

آقای ترامپ همانند دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش یک تیم سیاست اقتصادی تشکیل داده که اعضای آن اهدافی متفاوت و گاهی متناقض دارند. تدریجاً ماگا از قبیل استنفان میلر افرادی ضدتجارت، ضدمهاجرت و ضدمقررات‌گذاری هستند و از پایگاهی از طرفداران پراثری برخوردارند. حلقه اصلی جمهوری‌خواهان شامل اسکات بسنت، منتخب ترامپ برای وزارت خزانه‌داری و کوین هاست، رئیس شورای ملی اقتصاد عمدتاً از مالیات اندک و دولت کوچک طرفداری می‌کنند. به نظر می‌رسد این‌بار گروه جدیدی به آنها اضافه می‌شود که شرایط را متلاطم‌تر خواهد کرد. این گروه صاحبان فناوری سیلیکون‌ولی هستند. دیوید ساکس، سرمایه‌گذار خطرپذیر، به‌عنوان فرمانده هوش مصنوعی و رم‌پول دولت ترامپ انتخاب شده است. او امیدوار است بتواند محدودیت‌های صنعت رم‌پول را کاهش دهد و با همکاری دیگر کسانی که از سیلیکون‌ولی می‌آیند اهرم‌های کنترل هوش مصنوعی را بردارد و عامل پیشرفت سریع‌تر باشد. اما نفوذ صاحبان فناوری از حوزه سیاست آن فراتر می‌رود. آقای ماسک وظیفه مدیریت وزارت‌تازنامیس کارایی دولت (DOGE) را بر عهده گرفته است. مازک اندرسن، سرمایه‌گذار خطرپذیر مشهور می‌گوید که نیمی از اوقاتش را داوطلبانه در اقامتگاه ترامپ گذرانده است. اسکات کپور که برای آقای اندرسن کار می‌کرد مسئول اداره مدیریت کارکنان خواهد شد و بر استخدام کارکنان دولت نظارت خواهد کرد. کارکنان سابق پالتیر (Palantir)، بنیاد ثیل (Thiel) و اوپر (Uber) به ترتیب به وزارت کشور، وزارت بهداشت و پنتاگون می‌روند. زمانی در گذشته جابه‌جایی افراد بین وال‌استریت و خزانه‌داری آفقد زیاد بود که بانک گلدمن ساکس لقب دولت ساکس گرفت. این‌بار آقای ترامپ تلاش می‌کند فناوری را به فن‌سالاری وارد کند.

ایسن امر برای سیاست آمریکا تازگی دارد. مدیران فناوری سال‌ها از واشنگتن دوری می‌کردند، مگر در زمانی که کنگره آنها را برای بازخواست احضار می‌کرد. صاحبان جدید فناوری دولت را مکانی برای نفوذ و اختلال می‌دانند. ایسن امر از جنبه نظری می‌تواند به نفع آمریکا باشد. فن‌آوران همانند دیگر اعضای تیم ترامپ علاقه‌مندند با کاهش تشریفات اداری و تقویت نوآوری به برتری اقتصادی و فناوری آمریکا کمک کنند. با توجه به اهمیت

۳۰۰

هزار تومان

افزایش قیمت سکه

دیروز بازار سکه نیز افزایش قیمت را به خود دید. از آنجا که رشد ارزش دلار و طلا به صورت مستقیم روی نرخ سکه موثر است، قیمت هر قطعه تمام‌سکه طلا طرح جدید در بازار دیروز با رشد ۳۰۰ هزارتومانی در رقم ۵۵ میلیون و ۹۳۰ هزار تومان به فروش رسید. نیم و ربع‌سکه نیز به ترتیب با ۲۰۰ و ۱۰۰ هزار تومان رشد در ارقام ۳۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان معامله شدند.

راهبردی و اقتصادی هوش مصنوعی، استفاده از متخصصان این حوزه کاری عاقلانه خواهد بود. هیچ‌کس تردید ندارد که کارایی دولت نیز بیشتر خواهد شد. اما دستیابی به همه اینها در عمل فرق می‌کند. یک مشکل آنجاست که وقتی طرفداران فناوری و طرفداران آمریکا می‌گویند، متعهد به اصل «اول آمریکا» هستند منظورشان متفاوت است. جنبش ماگا امیدوار است تصویری از گذشته را زنده کند و به روزهای شکوه تولید بازگردد، اما فن‌آوران نگاهی آینده‌نگرانه دارند. آنها می‌خواهند به پیشرفت سرعت دهند و جامعه را متحول کنند و روزهایی را که طرفداران ماگا در آرزوی آن‌اند باز هم به عقب‌تر بکشانند.

ایسن دیدگاه‌های متناقض به مشاجره‌های سیاستی منجر می‌شوند. طرفداران ماگا از آن می‌ترسند که مهاجران مشاغل مردم آمریکا را بگیرند. فن‌آوران می‌خواهند بهترین استعدادها را فارغ از ملیت‌شان جذب کنند. فن‌آوران تمایل لیرال دارند و به دولت بی‌اعتمادند. طرفداران ماگا از قدرت شرکت‌ها متنفرند. هر دو گروه چین را به چشم یک رقیب می‌بینند، اما درحالی که طرفداران ماگا فکر می‌کنند خارجیان از تجارت برای فریب دادن آمریکا استفاده می‌کنند، فن‌آوران از جریان‌های استعدادها، سرمایه و آداب‌وسوم نفع می‌برند. حتی اگر بخش فناوری از آسیب‌های اولین دور تعرفه‌های کالایی در امان بماند جنگ تجاری تمام‌عیار مانع از عرضه خدمات آن خواهد شد. این‌گونه تناقضات و تنش‌ها دستیابی به اهداف را برای صاحبان فناوری دشوار می‌کنند.

آقای ترامپ شرایط را بدتر می‌کند. او به جای آنکه تنش‌ها میان اعضای تیمش را برطرف و مسیری شفاف را معرفی کند خود عامل هرج‌ومرج است. او عاشق تناقض و پیچیدگی است و اختیارانش را به هر کدام از بخش‌های اردوگاهش واگذار می‌کند.

اسکان دارد که فن‌آوران نیز به خود آسیب بزنند. آنها کوچک‌سازی دولت را یک مساله مهندسی می‌دانند، درحالی که تاریخ اصلاحات منطقی نشان می‌دهد این بیشتر یک مساله سیاسی است که فن‌آوران تجربه‌ای در آن ندارند. از آن بدتر، صاحبان فناوری که توجه ترامپ را جلب کرده‌اند ممکن است درصدد پارتی‌بازی برآیند. این همان چیزی است که سرمایه‌گذاران انتظار دارند. از زمان انتخابات تاکنون ارزش بنگاه‌های آقای ماسک سر به فلک کشید و با عملکردی بهتر از بازار، ثروت او را حداقل ۱۵۰ میلیارد دلار افزایش داد. ترکیب منازعات داخلی، اجرای ضعیف و توجه به منافع خودی‌ها می‌تواند شرایط دور دوم ترامپ را متزلزل کند.

اما این سناریوی وحشتناک یک سرنوشت محتوم نیست. بخش‌های مختلف تیم ترامپ به جای جنگیدن با هم می‌توانند اقدامات یکدیگر را از برخی جهات تعدیل و از برخی جهات دیگر تقویت کنند و نتایج خوبی برای آمریکا رقم بزنند. به‌عنوان مثال، جریان اصلی و مدیران فناوری می‌توانند گزینه حمایت‌گرایی و ضدمهاجرتی ماگا را تعدیل کنند و هم‌زمان نظریه‌های هوشمندانه اصلاحاتی آنها در بهترین شکل سیاسی به اجرا درآیند. در نهایت، توافق همگانی در مورد نیاز آمریکا به نوآوری می‌تواند به برنامه‌ها شتاب دهد.

شاید این امیدواری بعید به نظر برسد اما بازار سهام می‌تواند دولت را به سمت چنین اجماعی هدایت کند. آقای ترامپ نسبت به قیمت سهام حساس است و نمی‌خواهد رونقی را که پس از انتخابات شکل گرفت متوقف کند. بازار سهام یک سنجه زمان واقعی از اقتصاد ترامپ است و می‌تواند تصمیمات او را تغییر دهد. در این صورت دولت احساس می‌کند که باید سیاست‌ها را به سمت تقویت رشد بکشاند. ورود صاحبان فناوری به واشنگتن مخاطره زیادی دارد، اما می‌تواند پادشاه عظیمی نیز به همراه آورد. منبع: اکونومیست



نه جدید، نه خطرناک

سازمان جهانی بهداشت روز گذشته (سه‌شنبه) در تلاش برای کاهش میزان این نگرانی‌ها اعلام کرد: این ویروس برخلاف ویروس «اسارس کوو ۲»، نه جدید است و نه به طور خاص خطرناک. سخنگوی این سازمان همچنین تأکید کرد به خاطر شیوع ویروس HMPV وضعیت اضطراری در چین اعلام نشده است. او افزود: این ویروس برای اولین بار در سال ۲۰۰۱ کشف شده و در فصل‌های زمستان و بهار در گردش است.

حاشیه‌علیه متن

چهار خبر حاشیه‌ساز این روزها از داستان شهرام شکوهی و هویت گلوریا هاردی تا همسر جوان عراقچی و انداختن عمامه یک روحانی در فرودگاه، حواشی هفته گذشته بودند

گروه اجتماعی: هفته گذشته، هفته حواشی‌های متعدد بود. شهرام شکوهی، فیلمی از درگیری خانوادگی منتشر کرد، هویت واقعی گلوریا هاردی، همسر ساعد سهیلی زیر سوال رفت، زنی عمامه روحانی را در فرودگاه امام برداشت و به عنوان روسری سر کرد و جوان بودن و شباهت همسر عراقچی؛ وزیر امور خارجه نیز برای چند روز سرتیتر اخبار زرد رسانه‌های داخلی و خارجی بود. شهرام شکوهی، خواننده پاپ شناخته شده ظاهراً پس از مشاجره با همسرش اقدام به یک لایو اینستاگرامی کرد که در آن خودش و همسرش را در وضعیت نامناسبی نشان می‌داد. او که بخش‌هایی از بدنش خونین بود و آسیب‌هایی به خانه‌اش وارد شده بود با تعبیری زشت درباره همسرش که وضعیت پوشش مناسبی نداشت، صحبت کرد و گفت: اگر کشته شود مسئولش همسرش است. او بعد از مدتی این ویدئو را از صفحه خود پاک کرد!

بسیاری از فعالان فضای مجازی در واکنش به این ویدئو اعلام کردند که نباید مسائل شخصی و خانوادگی به این شکل منتشر شود، عده‌ای آن را به تمسخر گرفتن و عده‌ای دیگر گفتند که خشونت خانگی زن و مرد ندارد و باید به هشدار شهرام شکوهی توجه کرد.

هویت گلوریا

طی چند روز گذشته برخی اکانت‌های توییتری با انتشار این تصویر مدعی شده‌اند که گلوریا هاردی، بازیگر فرانسوی‌الاصل سریال کیمیا و همسر ساعد سهیلی، فرزند محمد علی اکبری، انرژی‌درمانگر مشهور دهه‌های گذشته است. محمدعلی اکبری در اوایل دهه ۶۰ با اجرای شعبده‌بازی در برنامه تلویزیونی دیدنی‌ها مطرح شد. او مدعی بود که قادر به خم کردن قاشق و چنگال است.

او پس از مدتی، ادعا کرد که از طریق انرژی‌درمانی، قادر به درمان بیماران بوده و دارای نیرویی «خدادادی» است. وی همچنین ادعا کرده که قادر است همه نوع بیماری‌ها را به‌جز بیماری‌های مادرزادی، درمان کند. گلوریا هاردی، بازیگر ایرانی - فرانسوی در شهر بوردو فرانسه متولد شده است. براساس اطلاعات موجود، مادر او ایرانی و اهل شیراز و پدرش فرانسوی است. او تحصیلات خود را در رشته موسیقی در پاریس به پایان رسانده و پیش از ورود به دنیای بازیگری به عنوان خواننده در فرانسه فعالیت می‌کرد. بنابراین با توجه به منابع موجود در اینترنت، پدر گلوریا هاردی فرانسوی است. اطلاعات بیشتری درباره هویت با ملیت دقیق پدر او در دسترس نیست.

اکانت قدیمی گلوریا اما با نام گلوریا اکبری بوده است. گلوریا در آن اکانت ۵۳ توییت کرده که اولین آن در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۰ و آخرین آن ۸ اکتبر ۲۰۱۱ بوده است. در اکانت توییت قدیمی او نوشته شده: «گلوریا فرزند یک خواننده ایرانی و ترانه‌سرای فرانسوی به معنای واقعی کلمه در موسیقی متولد شد. او در سن ۴ سالگی اولین آهنگ خود را در استودیو پلیگرام ضبط کرده بود». این احتمال می‌رود که او دیگر به اکانت خود دسترسی نداشته باشد. گلوریا در این سال‌ها در اینستاگرام فعال است.

این نکته که گلوریا هاردی از نام خانوادگی «اکبری» در حساب توییت خود استفاده می‌کند، ممکن است به پیشینه یا مسائل خانوادگی او مرتبط باشد. در برخی موارد، افراد به دلایل شخصی، فرهنگی، یا حرفه‌ای از اسامی متفاوت استفاده می‌کنند. از آنجا که منابع رسمی و قطعی درباره این موضوع



امکان سفر خارجی

حسین زاهدی، معاونت اجتماعی سازمان وظیفه عمومی فرجا درباره تسهیلاتی که برای فارغ‌التحصیلان مشمول سربازی که خارج از ایران هستند؛ در نظر گرفته شده است، گفت: براساس تصمیمی که در ستاد نیروهای مسلح گرفته شد و فرمانده کل قوا نیز با این تصمیم موافق کردند، قرار شد برای اینکه ارتباط مشمولان ایرانی خارج از کشور با کشور قطع نشود؛ آنها بتوانند وارد کشور شوند.



بردوش بیماران روی

مصطفی قائمی، دبیر ستاد زیست فناوری پزشکی گفت: با افزایش آلودگی هوا، سهم آلوده‌ها در بروز بیماری‌های انسدادی مزمن ریه به ۵۰ درصد رسیده است؛ بیماری که می‌تواند بار اقتصادی قابل‌توجهی بر جامعه تحمیل کند. قیمت داروها به ویژه اسپری‌های تنفسی، بالاست. این مساله برای بیمارانی که ماهانه به این داروها نیاز دارند، بار مالی زیادی ایجاد می‌کند و باید برای خرید این اسپری‌ها هزینه‌های میلیونی را کنار بگذارند.

گزارش

پرواز پرنده‌های مهاجر از ایران

شکار نفس پرندگان را بریده است

رضا نیک‌فلک، کارشناس محیط زیست با اشاره به کشتار پرندگان به سزا زندگی گفت: در خوزستان نیز نسل‌کشی گسترده از پرندگان مهاجر داریم، هم پرنده‌های مهاجر و هم پرنده‌های بومی؛ دقیقاً مشابه اتفاقی که در گیلان و مازندران می‌افتد. صید پرنده‌های مهاجر در خوزستان سابقه نسبتاً طولانی دارد؛ ولی در گذشته این صید خیلی محدود و بیشتر برای مصرف شخصی بوده و جنبه اقتصادی و تجارت کردن و پول درآوردن نداشته است. درحال حاضر همزمان با شدت گرفتن تخریب تالاب‌ها و خشک شدن‌شان و کاهش جمعیت پرنده‌های مهاجر، روش‌های نامتعارف و نسل‌کشی پرنده‌ها هم شدت گرفته است.

او ادامه داد: در گذشته نه‌چندان دور در اینجا بیشتر از انواع سم برای صید انواع غاز و یک‌سری از پرنده‌ها استفاده می‌کردند و نتیجه این شد که جمعیت چند ده هزارتاییی غازهای خاکستری و دیگرگونه غاز در خوزستان در خوش‌بینانه‌ترین حالت به چند هزار عدد در سال رسیده و حتی برخی از سال‌ها جمعیت‌شان به ۲۰ یا ۳۰ پرند می‌رسد. امروز دانه‌های سمی کمتر استفاده شده و بیشتر در فصل بهار برای صید کبوتر یا گونه‌های خشک‌بزی استفاده می‌کنند؛ به خصوص کبوتر، یا کرم و قمری خانگی و معمولی که این سه گونه کبوتر را بیشتر با دانه‌های سمی صید می‌کنند.

نیک‌فلک اضافه کرد: روش بعدی روشی است که برای یک‌سری پرنده‌های مهاجر، یعنی مرغابی‌سانان و پرنده‌های آبی استفاده می‌شود. در زبان محلی به محیطی که قرق می‌کنند و در آن امنیت برقرار کرده و دانه می‌ریزند «مهمیه» می‌گویند. «مهمیه‌ها» محیط‌های نسبتاً بزرگی هستند که از چند ده هکتار تا چند صد هکتار بوده که آبگیرهای مصنوعی انسان‌سازند و دور تا دور یک زمین را خاکریزی می‌کنند، مثل یک حوضچه استخر پرورش ماهی ولی خیلی وسیع‌تر و بزرگ‌تر از آن است؛ تقریباً مثل یک تالاب دست‌ساز است و بعد در تقاطعی از این تالاب دانه می‌ریزند و اجازه ورود، تیراندازی و سروردا به کسی نمی‌دهند و امنیت را برقرار می‌کنند و غذا هم هست و محیط هم تالابی است و شرایط حضور پرنده‌های مهاجر را فراهم می‌کنند و بعد به وسیله تور آنها را به صورت گسترده صید می‌کنند.

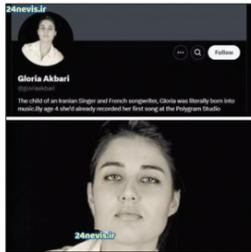
او گفت که روشی که با تور استفاده می‌شود در یکی دو دهه اخیر و شاید هم بیشتر خیلی گسترش پیدا کرده است. یک‌سری از این دامگاه‌ها، مهمیه‌ها یا تالاب‌های مصنوعی آبگیرهای انسان‌سازند و یک‌سری هم محیط‌های تالابی مثل تالاب هورالعظیم یا تالاب بامند که طبیعی هستند، بخش گسترده‌ای از آن را قرق می‌کنند و اجازه ورود به کسی نمی‌دهند و دوباره همان روش را پیاده کرده، دانه می‌ریزند و پرنده‌ها را صید می‌کنند و هر بار که تور می‌کشند، از صد پرند تا حدود ۴۰۰ پرند در تورشان می‌افتد؛ یعنی در هر بار حجم خیلی زیادی را صید و در واقع نسل‌کشی می‌کنند. هیچ گزینشی هم نیست که چه گونه‌هایی را می‌گیرند و مهم نیست که در خطر انقراض باشند یا نباشند، یا حلال‌گوش یا حرام‌گوش باشند؛ ولی این روش صید معمولاً برای به دام انداختن مرغابی‌هاست؛ ولی گاهی فلامینگو هم در آنها می‌افتد و امکان دارد گونه‌های دیگر هم باشد.

این کارشناس محیط زیست اضافه کرد: روش بعدی که بیشتر آن را در تالاب شادگان و اطرافش داریم، تورهای هوایی است و یک‌سری تورها که مثل تور والیبال هستند و ارتفاعشان زیاد نیست، ولی طول خیلی زیادی دارند. این تورها را به صورت چهار یا پنج ردیف پشت سر هم می‌کشند و پرنده‌ها را با تور هوایی می‌گیرند که در روش تور هوایی هم هیچ گزینش خاصی نیست و پرند حلال‌گوش، حرام‌گوش، آبی و حتی گنجشک‌سانانی که از آنجا رد می‌شوند در این تورها گیر می‌افتند و برای عرضه کردن به بازار می‌آورند. چند بازار هم داریم که به صورت غیرقانونی عرضه می‌کنند؛ مثلاً در تالاب شادگان، پرنده‌ها را در خود شهر شادگان می‌آورند. در اهواز بازاری هست به نام بازار کبان که جزو معضلات شهر اهواز هم است، یک بازار تصرفی است و توسط عده‌ای از مردم به صورت غیرقانونی تصرف شده و در این بازار پرنده‌ها را عرضه می‌کنند. روزانه چند صد پرند مهاجر اعم از گونه‌های حمایت شده در خطر انقراض و غیره در این بازار خریدوفروش می‌شود.

وجود ندارد، نمی‌توان با اطمینان گفت که این نام دقیقاً به چه چیزی اشاره دارد. اگر هدف مشخص کردن ارتباط او با پدری فرانسوی است، این موضوع همچنان نامشخص باقی می‌ماند. البته صفحه‌های فرانسوی در اینترنت با نام او وجود دارد که اطلاعات مربوط به فردی با نام «گلوریا علی اکبری» را در یک بانک داده شرکتی ارائه می‌دهد. این اطلاعات معمولاً شامل مواردی همچون نقش‌ها، موقعیت‌های مدیریتی، یا سوابق حرفه‌ای در شرکت‌های فرانسوی است.

همسر جوان عراقچی

عراقچی ۶۲ ساله که در دوران وزارت ظریف معاون او بود و حالا خودش روی صندلی وزارت نشسته و به واسطه اتفاقات بین‌المللی اخیر بیشتر هم در مرکز توجه قرار گرفته، اخیراً در یک بازارچه خیریه که توسط زنان وزارت امور خارجه تدارک دیده



شده بود همراه زنی جوان دیده شد.



با اینکه اعلام شد خانم جوان، همسر دوم آقای عراقچی است ناگهان سه طیف سیاسی به او حمله کردند. لشکر سایبری منافقین، سلطنت‌طلب و عده‌ای از تندروهای اصولگرا با اکانت‌های ناشناخته وزیرخارجه را هدف حملات خود قرار دادند.

عده‌ای برای اینکه به اختلاف سنی عراقچی و همسرش اشاره کنند، بخشی از کتاب خاطرات ونی شرم نماینده دولت اوایما در مذاکرات هسته‌ای برجام را یادآوری می‌کردند که نوشته بود، شرم و عراقچی هر دو در دوران مذاکرات هسته‌ای پدربزرگ و مادر بزرگ شدند و عکس نوه‌های خود را به یکدیگر نشان می‌دادند. البته این موضوع چندان پنهانی نیست که عباس عراقچی از ازدواج اولش با بهاره عبداللهیان، دو پسر و یک دختر دارد و فرزندان هم از ازدواج کرده‌اند و بچه دارند.

موضوع که ادامه پیدا کرد طبیعتاً عده زیادی هم یادآوری می‌کردند که این حرف‌ها کاملاً غیراخلاقی و سرک کشیدن در زندگی شخصی دیگران است. به فاصله کمی از شروع حرف و حدیث‌ها، محمدحسین زنجیران، مشاور عراقچی در توییتی سعی کرد کمی گردوخاک را بنشانند: «در رابطه با بداخلاقی‌هایی که یکی دو روز است افرادی علیه وزیر امور خارجه و خانواده ایشان شروع کرده‌اند، با اطلاعی که بنده دارم خانم آرزو احمدوند همسر دوم آقای عراقچی پس از جدایی از همسر قبلی ایشان است. این ازدواج بیش از ۶ سال قبل صورت گرفته و نمره آن یک دختر سه سال‌ونیمه است. ضمناً هیچ کدام از اعضای خانواده وزیر خارجه صفحه‌ای در فضای مجازی ندارند. خانم احمدوند، خانه‌دار است و در هیچ کجا شاغل نیست. انتشار عکس و صفحات ساختگی یا با نام‌های مشابه، کاری غیرشرعی و غیراخلاقی است. ان‌الله یدافع عن الذین آمنوا».

جالب اینکه بعضی از چهره‌های منتقد دولت هم جانب عراقچی و دفاع از حریم خصوصی او را گرفتند مانند علیرضا پورمسعود، فعال رسانه‌ای که عبدالرضا داوری هم ریوتیئتش

کرد: «پروژه تخریب عراقچی، با عکس همسرش، زمین بازی موساد است، همانطور که تخریب قالبباف در انتخابات قبلی، زمین بازی MIP بود، دوره‌ای که یک مسئول با عکس بی‌حجاب همسرش در جامعه تخریب می‌شد دیگر گذشته است، اتفاقاً الان مردم می‌گویند، این هم که از خودمان است». البته همسر عراقچی در ویدئوی بازدید از بازارچه خیریه چادر مشکلی هم به سر دارد.

عمامه به جای روسری

طی چند روز گذشته ویدئویی از مشاجره یک زن با یک روحانی در فضای مجازی غوغا به پا کرده است. گفته می‌شود که این تصاویر مربوط به اتفاقی است که در فرودگاه مهرآباد رخ داده است. چنانکه در تصاویر مشخص است، خانمی که روسری به سر ندارد، با یک روحانی مشاجره کرده و عصبانیت وی به حدی است که عمامه روحانی را برداشته و به جای روسری سر می‌کند! همین استفاده از عمامه به عنوان روسری گمانه شروع ماجرا از تذکر حجاب را تقویت کرده است.

چند روز بعد رسانه‌ها ویدئویی را منتشر کردند که در آن زن با همسر خود به مشاجره لفظی پرداخته و روسری خود را بر سر دارد. البته در این ویدئو صحنه قبل از برداشته شدن عمامه مشخص نیست.

در توضیح آمده که «ساعت ۱۴:۴۰ مورخ ۱۵ دی ماه ۱۴۰۳ در ترمینال شماره ۴ فرودگاه مهرآباد مشاجره‌ای لفظی بین یک خانم با همسرش رخ داده و باعث جلب توجه حضاران می‌شود. براساس تصویر دوربین‌ها، پس از تشدید مشاجره وی با همسرش؛ متأسفانه نامبرده از حالت عادی خارج که منجر به ضرب‌وشتم بین زوجین می‌شود. در بررسی‌های تکمیلی و اظهارات همسر ایشان و شاهدان حاضر در صحنه، همانطور که در فیلم مشخص است هیچ‌گونه مواجهه کلامی از سمت روحانی به خانم جوان رخ نداده است و با وجود توهین و تعرض فیزیکی به فرد روحانی، ایشان شکایتی از خانم نداشته‌اند. همسر این خانم با تأیید سابقه بیماری چندین ساله و اختلال اعصاب و روان پس از مراجعه به پزشک فرودگاه، او را از محل ترمینال خارج کرد».

عباس عبدی این پرسش را مطرح می‌کند که «اگر روحانی به به کلی خارج از ماجراست، پس علت رفتار این خانم چیست؟ گفته می‌شود، مشکلات روحی و روانی داشته است. فرض کنیم که این‌گونه بوده، پس چرا عمامه آن روحانی را برداشته است؟ چرا روسری و شال خودش را نگذاشته است؟ یا چرا روسری یک نفر دیگر را برداشته؟ یا اصلاً چرا می‌خواست چیزی را روی سر خود بیندازد؟»

جالب‌ترین بخش ماجرا این است که آقای روحانی کاملاً ساکت بود و بدون هیچ واکنشی از کنار آن خانم رفت، بعد هم که عمامه او را برداشت حتی کوشش نکرد آن را بگیرد. برخورد مردم با افکار عمومی و حتی نظام اطلاع‌رسانی رسمی نیز جالب است. برای نقی روایت غیررسمی، فیلم رویداد (البته نه خیلی کامل) را ببخش کردند تا ثابت کنند آقای روحانی هیچ نقشی در این ماجرا نداشته است. چرا فوری به صلح و سازش و عدم شکایت منتهی می‌شود؟ حداقل بخشی از اقدامات آن خانم جزو جرائم عمومی است، اگر هم دچار پریشانی روانی بوده، این را باید دادگاه تشخیص بدهد، چگونه همه چیز به یک‌باره حل شد؟

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌پار، امیراقتناعی

مدیریه: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۱۸۰

**ادامه چهارشنبه ۹ آبان
شیوع میکروب تب‌کریمه کنگو**
هر روز موارد جدیدی از سیاه‌زخم در آمریکا و کشورهای دیگر کشف می‌شود؛ بدون اینکه از عوامل انتشار آن اطلاعی به دست آید. در بعضی از استان‌های کشورمان، میکروب تب‌کریمه کنگو شیوع پیدا کرده و جمعی را آلوده کرده است.

تیم ملی فوتبال ایران، امروز سه بر صفر بر امارات پیروز شد و یک مرحله به مسابقات جام جهانی نزدیک شد و تا این لحظه - ساعت ده و نیم شب - هنوز بسیاری از میدان‌های شهرهای کشور شاهد حضور جوانان شادی‌کننده است و در مواردی هم بی‌نظمی و برخورد وجود دارد.

**پنجشنبه ۱۰ آبان
استقبال شایان از رهبری در نجف آباد**
در خانه بودم و وقت به مطالعه گذشت. گزارش فرمانده نصر درخصوص درگیری [جلال] طالبانی با جنرالده در حلبچه عراق و اینکه جنرالده از سلفی‌ها و ضدشیعه و طرفدار طالبان هستند و با حرکت اسلامی به رهبری عبدالعزیز [حکیم] هم درگیر شده‌اند.

نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس درخصوص عسر و حرج برای خانم‌ها و نیز اساسنامه بانک تجارت [سازمان همکاری اقتصادی] آکو را بررسی کردم. دستور جلسه آینده مجمع [تشخیص مصلحت نظام] است. در گزارش‌ها، چندین مورد درگیری بین نیروی انتظامی و اوپاش در برنامه‌های شادمانی دیشب آمده است. در مواردی، شعارهای بسیدی داده‌اند و جمعی دستگیر شده‌اند و به اتومبیل‌های ناچا و بعضی تأسیسات همگانی آسیب وارد شده است. آقای [محمدشرف] مهدوی شاهرودی آمد و گفت، مأموریت کنسولگری در جده و نمایندگی در [سازمان] کنفرانس اسلامی را پذیرفته است.

رهبری امروز به نجف‌آباد رفته‌اند و برخلاف نگرانی بعضی‌ها، استقبال شایانی از ایشان شده است. در رسانه‌های خارجی، تبلیغات منفی زیادی درباره اظهارات رهبری در اصفهان می‌شود و اظهارات ایشان در مورد وظیفه متابعت مسئولان از سیاست‌های مصوب رهبری را دلیل بر تناقض در قانون اساسی گرفته‌اند و می‌گویند، اکنون مجلس و دولت، راهی جز تسلیم یا استعفا ندارند.

در اردوگاه کمک به آوارگان که ایران در مرز زابل در خاک افغانستان ایجاد کرده، هجوم بیش از ظرفیت آوارگان، مشکل‌زا شده و درگیری پیش آمده و امراض مُسری هم مشکل دیگری است. دولت ترکیه بعد از یک جلسه سری ۷ ساعته، تصویب کرده که به تقاضای آمریکا، نیروی نظامی به افغانستان بفرستد؛ قبلاً کانادا و آلمان هم پذیرفته‌اند که نیرو بفرستند و ژاپن هم تصویب کرده، کمک لجستیکی بنماید. آمریکا گفته است که از ۱۹ نفری که در عملیات ۱۱ سپتامبر شرکت داشته‌اند ۱۵ نفر از عربستان سعودی روایت گرفته‌اند و دو نفر در برلین و دو نفر در امارات.

نماینده جبهه متحد افغانستان در سازمان ملل گفته است که از آمریکا خواسته‌ایم در ماه رمضان جنگ را متوقف نکند؛ چون طالبان خود را تقویت می‌کنند. بحث داغی مطرح است که در ماه رمضان، جنگ ادامه داشته باشد یا نه؟

امیر ایران درباره امیرکبیر و چگونگی قتل او



نیره خادمی
گروه تاریخ

بزرگ‌ترین قتل تاریخی ایران در بیستمین روزی ماه سال ۱۳۳۰ و تنها یک روز پس از روز به دنیا آمدن امیرکبیر به دسیسه مهدعلیا و سایر درباریان ناصری به فرمان مخدوش ناصرالدین‌شاه در حمام فین کاشان اتفاق افتاد. امیرکبیر را در حمام تنها یافتند و کار را یک‌سره کردند و فکر ترقی در ایران تا مدت‌ها تعطیل شد. سازندگی به مناسبت قتل اصلاح‌گر بزرگ تاریخ ایران به جزئیات زندگی، نحوه قتل و خدمات او پرداخته است.

آغاز راه

نام کاملش میرزا محمدتقی‌خان فراهانی بود و ۱۹ دی سال ۱۱۸۵ در فراهان به دنیا آمد. فرزند کرلایی محمد قربان، آشپز میرزا عیسی، قائم‌مقام فراهانی که به واسطه هوش و ذکاوت، نظر قائم‌مقام فراهانی را جلب کرد و از شاگردی در آشپزخانه به شاگردی استاد و همدرسی با آقازاده‌های دربار رسید. دوران کودکی را در دربار قائم‌مقام فراهان گذراند و به سرعت در دربار جای خود را پیدا کرد. محمدشاه که از دنیا رفت با تدبیر خود ناصرالدین میرزای ولیعهد را از تبریز به تهران رساند تا بر تخت پادشاهی بنشیند. ولیعهد در آن زمان حتی پول کافی برای



سفر به تهران در اختیار نداشت بنابراین میرزا تقی‌خان فراهانی برای فراهم کردن هزینه سفر از یک تاجر تبریزی پول قرض کرد و ۶ لشکر پیاده و سواره و نیروی نظامی برای سفر شاه جوان آماده کرد بنابراین بیش از گذشته مورد لطف ناصرالدین‌شاه قرار گرفت. بعد به عنوان نخستین صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار انتخاب شد. به او لقب اتابک اعظم و امیرکبیر دادند و به پیشنهاد ناصرالدین‌شاه با خواهر تکی‌شاه ازدواج کرد. تنها سه سال و سه ماه صدراعظم ایران بود اما در همین مدت کوتاه، قدم‌های مهمی برای پیشرفت در ایران برداشت.

از تاسیس دارالفنون تا شبکه ضدجاسوسی

مدرسه دارالفنون، ایجاد چاپخانه، ترجمه کتب اروپایی، اعزام محصل به اروپا و دایر کردن روزنامه وقایع‌انگاری، توسعه زراعت نیشکر در مازندران و خوزستان، توسعه زراعت زعفران در خراسان، ایجاد کارخانه کاغذسازی در تهران و تاسیس کارخانه‌های چلواربافی، چینی‌سازی، حریربافی و بلورسازی از جمله اقدامات مهم فرهنگی و اقتصادی امیرکبیر بود که پیش‌زمینه تحول امروز در ایران را رقم زد. در امور نظامی قانون سربازگیری را تدوین کرد و با تاسیس کارخانه‌هایی برای ساخت ملزومات نظامی و تسلیحات ساه، متحدالشکل کردن لباس نظامیان، ایجاد امنیت در راه‌ها، ایجاد قراول‌خانه و چاپارخانه در حدود شهرها نیروی نظامی ایران را به سامان رساند. ترویج آبله‌کوبی و احداث نخستین

بیمارستان دولتی، مساحی و نقشه‌برداری تهران و دیگر مناطق و راه‌های کشور، کوتاه کردن دست قدرت‌های بیگانه از دخالت در امور داخلی، گسترش روابط خارجی و ایجاد سفارتخانه‌های دائمی در کشورهای دیگر را از دیگر خدمات امیرکبیر به ایران بود که بارها از آن سخن گفته شده است. او نخستین شبکه اطلاعاتی در ایران را برای مقابله با جاسوسی راه‌اندازی کرد، آن هم در شرایطی که پس از شکست‌های ایران در جنگ روسیه، نفوذ سفارتخانه‌های خارجی در ایران به اوج خود رسیده بود. امیر برای رفت‌وآمدها و روابطش با شاهزادگان و سفارتخانه‌های بیگانه از جمله انگلستان، محدود کردن ملاقات‌های او با شاه و دیگر محدودیت‌ها؛ مهدعلیا را به دشمن اصلی امیر تبدیل کرد. خصومت او به قدری جدی بود که حتی ازدواج امیرکبیر با دخترش نیز نتوانست روابط آنها را بهبود بخشد بنابراین وقتی امیر در کاشان بود هم دست از دسیسه برداشتند. شایعه کردند که امیر قصد پناهنده شدن به سفارتخانه روسیه را دارد بنابراین شاه امیر را از کلیه مناصب دولتی و لشکری کنار گذاشت. وجود امیرکبیر بدون منصب و مسئولیت و دور از پایتخت هم آنها را به وحشت می‌انداخت بنابراین نقشه قتل او را کشیدند و فرمان آن را با نیرنگ از شاه گرفتند.

برخی وقایع روز قتل

در روز قتل امیر که در حمام فین کاشان از ماهیت ماجرای قتل خود اطلاع یافت ابتدا به آنها گفت: «آیسا می‌گذارید که من از حمام بیرون بیایم آن وقت مأموریت خود را انجام دهید؟» موافقت نکردند و امیرکبیر که دید گریزی از مرگ ندارد، درخواست کرد مأموریت به طرزی که می‌گوید، انجام شود. دلاک نیشتر را به دست گرفت و به دستور امیر رگ‌های هر دو یازوی او را زد تا نقش خون در حمام جاری شود. دلاک در یک گوشه حمام حیران ایستاده و از ترس فراش‌باشی جرأت حرکت برای گرفتن جلوی خون را نداشت و نمی‌دانست سرانجام چه خواهد شد و چه وقت باید جلوی خون را بگیرد. ۶ روز بعد، روزنامه «وقایع‌انگاری» خبر از وخامت حال امیر و «ناخوشی» او به دلیل «ورم پا و صورت» داد و نهایتاً ۲۰ روز بعد از قتل او به صورت کوتاه نوشت که میرزا تقی‌خان در کاشان، وفات یافته است. پس از آن هم بسیاری از مورخان معاصر اما دلیل درگذشت امیر را ناخوشی و تورم دست و پا و آماس بدن اعلام کردند اما حاج‌میرزا محمدجعفر، ملقب به حقایق‌نگار خورموجی برای نخستین بار آن را به قلم خود نوشت. به هر ترتیب امیرکبیر قربانی جهل و استبداد شد. به گفته دکتر محسن بهشتی‌سرشت، مدیر گروه تاریخ پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی او از استعداد مساله‌شناسی خوبی برخوردار بود اما عدم ظرفیت‌شناسی که موجب شد، او ارتباطات خود را با علما و روشنفکران توسعه ندهد، به او آسیب زد و پس از قتل او هیچ صدای اعتراضی شنیده نشد.

تقویم

طرح ناکام

نگاهی به عملیات نصر



اواسط دی ماه سال ۱۳۵۹ عملیات سوم ارتش ایران با نام «نصر» در زمان جنگ عراق علیه ایران طرح‌ریزی و در منطقه هویزه در جنوب غربی شهر سوسنگرد اجرا شد؛ عملیاتی که ابتدا موفق بود که به علت طرح‌ریزی مبتنی بر داده‌های غیرواقعی و نیز عدم تعادل در توازن رزمی با قوای دشمن در مواجهه با پاتک زهری ارتش عراق، ناکام ماند. ساعت ۱۰ صبح ۱۵ دی با آغاز عملیات لشکر ۱۶ به فرماندهی سرهنگ سیروس لطفی با دو تیپ و با استفاده از فاصله خالی ۱۰ کیلومتری بین دو لشکر ۵ و ۹ در شرق هویزه به مواضع ارتش عراق در روشنایی روز حمله کرد. تیپ سوم این لشکر، احتیاط نیروی زمینی در منطقه دوکوهه یعنی در گلوگاه حیاطی خوزستان بود و وارد عمل نشد. در طرح عملیات پیش‌بینی شده بود که با توجه به سابقه و تمرین عبور از کارون توسط ارتش، تیپ ۲ لشکر ۹۲ هم از رودخانه کارون در فارسیات مقابل پادگان حمید عبور کرده و با لشکر ۱۶ در جاده جفیر الحاق نماید. تعداد ۱۵۰ نفر از نیروهای سپاه هم به فرماندهی آقای جعفر اسدی در محور فارسیات در اختیار لشکر ۹۲ قرار گرفته بود. برای انجام عملیات، گردان پل پادگان داغاله، ظرف چهارساعت و نیم پلی را روی رودخانه کارون نصب کرد. پس از نصب پل گردان ۲۸۳ سوار زرهی و ۲ گردان و یک گروهان از رزمندگان سپاه که جمعاً حدود ۵۵۰ رزمنده بودند از پل عبور کرده و حدود ۴ کیلومتر به سمت پادگان حمید پیشروی کردند. قرار بود روز دوم، تیپ ۲ لشکر ۹۲ نیز از رودخانه عبور کرده و صبح روز ۱۷ دی مساء، پادگان حمید را تصرف کند. در روز ۱۶ دی مساء، ارتش عراق به این نیروها حمله کرد که یکی از رزمندگان لشکر ۹۲ با موشک تاو خود توانست تعداد ۷ دستگاه تانک و نفربر و خودروی ارتش عراق را منهدم و تهاجم آنها را متوقف کند. لشکر ۱۶ با یک مانور احاطه‌ای زهری تا حدود ۳۰ کیلومتر به سمت منطقه جفیر پیشروی کرد و یک تیپ ارتش عراق از لشکر ۵ کانیزه را به تله انداخت. تا ساعت ۴ بعدازظهر حدود ۸۰۰ نظامی دشمن اسیر شدند و به کارخانه چوب اهواز انتقال یافتند. مرحله اول عملیات با موفقیت انجام شد و همه فرماندهان و مسئولان کشور خوشحال شدند و فکر آینده عملیات را نکردند. به گزارش ایسنا، بنی‌صدر در پیامی به امام خمینی اظهار امیدواری کرد که مراحل بعدی نیز با پیروزی کامل به انجام برسد. روز اول عملیات نصر، روز شادی و نشاط و خوشحالی برای همه رزمندگان بود اما از روز دوم، ضدحمله‌های سنگین ارتش عراق آغاز شد. اشکال اصلی در عملیات نصر این بود که رزمندگان لشکر ۱۶ زهری نمی‌دانستند، کجا باید متوقف شوند و خاکریز بزنند و خط دفاعی تشکیل بدهند. به هر حال ارتش عراق که یک تیپ احتیاط زهری را به همراه تانک‌برها در جفیر مستقر کرده بود با استفاده از تیپ ۱۰ زهری گارد جمهوری و با همکاری تیپ ۳۳ زهری از لشکر ۶ حملات خود را از ساعت سه‌ونیم بعدازظهر آغاز کرد. عدم برنامه‌ریزی درست برای رزمندگان سپاه و نیز ناهماهنگی در عقب‌نشینی نیروها درحالی که بیش از ۱۵۰۰ متر جلوتر از نیروهای ارتش مشغول نبرد با قوای ارتش عراق بودند و نیز بی‌تجربگی همچنین تهاجم قوای دشمن، تلفات سنگینی به نیروهای خودی وارد کرد بنابراین روز دوم عملیات نصر، روز غم و اندوه و افسوس رزمندگان بود.